

برابری نابرابر یا جحاف آشکار در مورد کارگران

صفحه ۸



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۲۳
شنبه ۱۱ شهریور ۱۳۵۹، بهار ۱۵ دیال

به خاطر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تفاهم کنید

چنین حالتی اختلاف نظر به توافق آگاهانه تبدیل میشود، کمابعدار - ترین توافق است.
رژیم سرنگون شده طاغوت کوهی از اشکالات کمرشکن برای مبارزه گذاشته است و نهادهای کاریبا و گاهی خرابکاریهای صندی پس از انقلاب نیز هر روز بر این کوه افزوده است و باز هم در حال افزودن است. ما اگر يك دستگاه دولتی و حکومتی انقلابی، داشته باشیم، همه این مشکلات حل خواهد شد، زیرا توده های عظیم انقلابی مردم ایران بازمی رسد راسخ آماده نبرد و ایثار در پشت سر امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

کمین تنگنا و مترصد فرصت است، تاسکنین ترین غزیت را برانقلاب و جمهوری اسلامی وارد سازد و مبین ما را در خون صدها هزار میلیونها ایرانی می- گناه غرق کند.
وجود اختلاف نظر در هر امری طبیعی است و حتی نزدیکترین دوستان و همراهان نیز در ابتدای طرح هر مسئله ای می توانند اختلاف نظر داشته باشند. ولی اگر از هر دو طرف صمیمیت و عزیمت در به توافق در میان باشد و برای رفع اختلاف نظر از شیوه درست دوستانه، اصولی و خلاق استفاده شود و هدف اصلی، که همانا تحکیم و پیروزی نهائی انقلاب است، در مرکز توجه قرار گیرد، همه اختلاف نظرها قابل رفع است.

عالی حکومتی و دولتی را مخابله قرار داده گفتند: فرودتر با هم توافق کنید.
ما نیز وظیفه انقلابی و وجدانی خود میدانیم که در این شرایط حساس و در موضوع بسیار مهم تکوین دولت جمهوری اسلامی ایران، صدای خود را با صدای همه مجاهدان زمام انقلاب و مدافعان جمهوری اسلامی ایران همراهِ سازیم و از ریاست جمهوری و مجلس و نخست وزیر بخواهیم که «با هم تفاهم کنید» و «با هم توافق کنید».
تبايد حتى يك لحظه از پیاد برد که امپریالیسم خونخوار آمریکا با لشکری از ایادی و مصالح در پشت مرزهای ایران و در داخل تسخیر بقایای طبقات طاغوتی داخلی،

است، این ضرورت را نشان میدهد که، همه و همه باید تمام قوتها و ابتکار خود را بسیج کنند، تا در محیط تفاهم انقلابی، اختلاف نظرها و اشکالات موجود هر چه زودتر برطرف گردد و جمهوری نوای اسلامی ایران، دارای يك دستگاه حکومتی و دولتی متحد، منسجم، صمیمی، کارآ و قبل از هر چیز فداکار و انقلابی باشد.
رهبر انقلاب، امام خمینی، که قبل از هر کس دیگری به احتمال وجود چنین اشکالاتی پی برده بودند، روزها قبل به رئیس جمهور و نخست وزیر و دیگر مقامات مربوطه نصیحت پدرا نه کردند و گفتند: «با هم تفاهم کنید»، و فقیه المقتدر آیت الله منتظری در خطبه نماز جمعه قم، این دو مقام

نخست وزیر کابینه را به مجلس معرفی کرد، و این گام جدید و مهمی در تحکیم و تثبیت استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران بود. به همین سبب نیز مردم ایران و نیروهای صادق به انقلاب از معرفی کابینه به مجلس یا خرسندی استقبال کردند.
ولی متأسفانه این خرسندی با خبری که در روزنامه «انقلاب اسلامی» (۹۹۹۹) درج شده بود، شش بر اینکه اعضای کابینه معرفی شده از طرف نخست وزیر به تصویب رئیس جمهور نرسیده است، تا حدودی مکدر گردید. اظهارات تلویزیونی نخست وزیر و سخنانی که در جلسه دینور مجلس گفته شد و مطالب دیگری که حاکی از وجود اشکالات معینی

محتکران بازوی قدرتمند ضد انقلابند

در نامه پیشنهادی کمیسیون خارجه مجلس شورای اسلامی ایران به نامه نمایندگان کنگره آمریکا، آمده است:

دولت آمریکا دخالت نظامی جدیدی در ایران تدارک نمی بیند

اتحاد شوروی میخواهد با ایران مناسبات خوب و حسن همجواری، مبتنی بر اصل احترام به استقلال، حاکمیت، تمامیت ارضی و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر داشته باشد.
متن پاسخ آندره گرومیکو، وزیر امور خارجه اتحاد شوروی، به نامه صادق قطب زاده، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، که از رادیو مسکو (۹۹۹۹) پخش شد، عیناً به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد:

حملات به دفاتر حزب توده ایران را متوقف کنید! صفحه ۸

در صفحات بعد

حجت الاسلام هاشمی رئیسنجانی: مسئله گروگان گیری تنها يك جرعه ای بود

گروه قاسملو، مدافع دزدان، او باشان و مزدوران بعث

حزب کمونیست عراق بار دیگر هتک می کشد خود را با انقلابیای ایران و افغانستان اعلام میدارد

کارگران شهرداری پیرانشهر و سنگینی بار گرانی قیمتها

زمینداران بزرگ در پن گون محتوای انقلاب را وارونه جلوه می دهند

صابون، انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مارا مورد هجوم مرئی و نامرئی قرار دادمانند.
احتکار و قتر محتکران در اقتصاد کشور ما جای خاصی دارد. کسانی که با اقتصاد ایران و شرایط رشد آن در گذشته و حال آشنائی دارند، میدانند که احتکار سهولت ترین و سودآورترین وسیله تجسس ثروت در دست سرمایه فیل است، که نه آمادگی بکارآفتاب در صنایع را دارد، نه میخواهد با منتقم متبدل در تجارت سازگاری داشته باشد و تنها راه را چلیدن مردم از راه احتکار و گران فروشی میداند. خانواد شاه سابق و سرمایه داران وابسته به آنها، یکپا محتکر سرمایه دار باشند، یکپا محتکر و کلابردار، آنها هم در سطح بین المللی بودند. احتکار از همین

مورد خروصع انقلابی صادق است. یوزمه در مورد کشور ما ایران، که احتکار و محتکران اهرم و بازوی شناخته شده در همه جریانات ضد انقلابی بود و نیز در کترین صدمات و زیانها را به نیروهای انقلابی وارد آورده اند.
لازم نیست برای درک اهمیت خطری که احتکار و محتکران به جریانات انقلابی وارد می - سازند، جای دور برویم. در کشور ما ایران، از تاریخ مبارزات انقلاب مشروطه به اینطرف، ما شاهد آن هستیم که احتکار حربه جدی ضد انقلاب بوده و محتکران بلااستثنا بود ضد انقلاب در صحنه قرار داشته اند.
در انقلاب مشروطه، احتکار گندم و آذوقه امر جدی و خطرناکی علیه انقلاب بود. در جریان ملی شدن نفت، احتکار بارچه و قند و جای وسیله ضرر متزین به جنبش قرار گرفته بود. اکنون محتکران با توسعه دامنه فعالیت خود به همه کالاهای از لاستیک گرفته تا

شد انقلاب هستند. این واقعیت در مورد خروصع انقلابی صادق است. یوزمه در مورد کشور ما ایران، که احتکار و محتکران اهرم و بازوی شناخته شده در همه جریانات ضد انقلابی بود و نیز در کترین صدمات و زیانها را به نیروهای انقلابی وارد آورده اند.
لازم نیست برای درک اهمیت خطری که احتکار و محتکران به جریانات انقلابی وارد می - سازند، جای دور برویم. در کشور ما ایران، از تاریخ مبارزات انقلاب مشروطه به اینطرف، ما شاهد آن هستیم که احتکار حربه جدی ضد انقلاب بوده و محتکران بلااستثنا بود ضد انقلاب در صحنه قرار داشته اند.
در انقلاب مشروطه، احتکار گندم و آذوقه امر جدی و خطرناکی علیه انقلاب بود. در جریان ملی شدن نفت، احتکار بارچه و قند و جای وسیله ضرر متزین به جنبش قرار گرفته بود. اکنون محتکران با توسعه دامنه فعالیت خود به همه کالاهای از لاستیک گرفته تا

جدی بیتر، حریق دریکی از مغازه های لاستیک فروشی، توجه افکار عمومی را بخود جلب کرد. این مسئله نه از آنجهت که خسارت به صاحب مغازه وارد آمده بود، بلکه از آن جهت که موجب کشف انبارهای بزرگ احتکار لاستیک در جنب آن مغازه و مغازه های اطراف شده بود، سر و صدا برآه انداخت. معلوم شد که در بروجعه کیمیای لاستیک، هزاران حلقه لاستیک تنها در انبارهای چند محتکر دست دوم پنهان بود. اما اگر به انبارهای محتکران دست اول دسترس پیدا کنیم، مسلماً با دهها و صدها هزار حلقه لاستیک روی هم انبار شده مواجه خواهیم شد، که بیشتر متعلق به رابر خواهد انگیکت.
اما آیا احتکار فقط مربوط به لاستیک اتومبیل است؟ خیر! متازن همین خبر، روزنامه ها اطلاع دادند که چند انبار وسائل یکدی بیگان، که دهها میلیون تومان جنس در آن خوابیده، کشف شده است. خبر دیگر روزنامه ها در همین هفته، مینریر کشف يك انبار بزرگ وسائل الکترونیك بوده، که مورد احتیاج از هوایما تا دستگاههای سیمی - بصری است.
شاید تصور شود که احتکار، کالاهای اساسی و درجه يك را شامل میشود. متأسفانه اینطور نیست. خبر روزنامه ها حاکی از احتکار نیم میلیون قالب سابون و ۳۵۰ تن سیمان در رشت بود. احتکار روغن، پودر رختشویی، سیکار و ... از خبرهای عادی روزنامه ها شده است.
تا زمانیکه کشف مراکز احتکار، به هیچوجه به معنی این نیست که این امر مهم و حیاتی از نظر انقلاب سازمان داده شده باشد. متأسفانه کشف مراکز احتکار کالا و اجناس مورد لزوم غالباً صورت اتفاقی دارد و اکثر ایلور تصادفی مع این یا آن محتکر باز میشود.

آموزش نظامی و تامین سلاح سپاه پاسداران از وظایف ارتش است

* ارتش موظف به آموزش نظامی کمیته ها و ارتش ۲۰ میلیونی نیز هست

پدنیال پایان یافتن سینیار سه روزه هماهنگی بین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، که به منظور بحث و بررسی مسائل بین نیروهای مسلح و سایر نهادهای انقلابی مسلح و غیر مسلح و نیز نظر حجت الاسلام اشراقی، نماینده ویژه امام، تشکیل شده بود، قطعنامه ای از سوی اداره سیاسی آیدنولوژیك ارتش منتشر شد. در قسمتی از این قطعنامه آمده است:
... ارتش جمهوری اسلامی ایران برابر قانون اساسی در امر نهاد سازندگی متناسب با توانائی های خود، بطوری که به آمادگی رزمی آن لطمه وارد نشود شرکت نماید.

باید گفت که متأسفانه هنوز این مسئله، یا همه ابیادی که دارد و خطر مهمی که بر آن مترتب است، بطور جدی مورد توجه دولت انقلاب قرار نکرده است. واقع اینست که احتکار اهرم نیرومند و محتکران بازوی قدرتمند

بقیه در صفحه ۸

بقیه در صفحه ۸

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

بمناسبت ۲۸ مین سالگرد شهادت کارگران ریسندگی سمنان خاطره کارگران شهیدسمنان را گرامی میداریم قاتلان این کارگران شهید باید محاکمه و مجازات شوند

مردانی که در کارخانه مانده بودند، تحمیل کرد.
ناگفته نماند که یکی از کارگران جوان مبارز
را نیز بسریازی بردند و پس از یکی دو ماه بضرع گلوله
او را کشتند. نام او ولی الله شاهجویی بود.
کارگران شهید سمنان عبارت بودند از:
علی آقا سعادتین، محمدتقی سعادتلی، محمد
مطبوعی، رضا زرگر، حسین زحمتکش.
سن کارگرانی که شهید شدند بین ۲۰
تا ۳۰ بود و آرامگاه آنان در امامزاده علوی سمنان
است.
پس از کشتار و مجروح کردن کارگران سمنان،
خانواده آنان و سازمانهای مترقی و حزب توده ایران
بازها تقاضای دستگیری و مجازات قاتلین کارگران
را کردند، ولی شاه و دربار وابسته به آمریکا هرگز
پاسخی به تقاضاهای خانواده‌های داغدار ندادند.
اکنون که به کوشش و مبارزات قهرمانانه مردم
زحمتکش ایران رژیم وابسته به امپریالیسم شامبرنگون
شده است و مردم ایران قاطعانه به سوی قطع تمامی
وابستگیهای پیش میروند، بررسی دقیق این فاجعه و اقله
عوامل آن پیش از پیش ضرور به نظر میرسد.
ما ضمن گرامیداشت یاد کارگران شهیدی که
با مبارزه خود نابودی رژیم دست نشانده شاه سابق را
تسهیل کردند، از مقامات مسئول جمهوری اسلامی
ایران می‌خواهیم که بابتگیری در دستگیری و مجازات
عاملین این جنایت، پاسخگویی خواست بحق کارگران
و مردم سمنان و بخصوص بازماندگان این شهیدباشندگان

سلطنت، ما شاه نمی‌خواهیم!
ساعت چند دقیقه‌ای از دو بعداز ظهر روز یازده
شهریور نگذشته بود که هجوم عوامل جنایتکار دربار
به کارگران آغاز شد. صدای رگبار مسلسل در
سراسر شهر بشکوه می‌رسید اوباشان باچوب و چماق،
بنوان بستگان کارگران، که بیخودانه فرزندان خود
را از کارخانه خارج کنند، به کارخانه حمله کردند و
پشتسر آنها افراد پلیس و ژاندارم با سنگر گرفتن
در ساختمانهای بلند اطراف کارخانه، کارگران داخل
کارخانه را زیر رگبار مسلسل و تفنگ گرفتند.
سریاسبان غلامحسین کاشی افراد مبارز داخل
کارخانه را به مزدوران درباری نشان می‌داد، تا آنان
را از برای درآوردند.
در این حادثه پنج نفر از کارگران مبارز، که چهار
نفر آنان توده‌ای بودند، به شهادت رسیدند و در حدود ۲۰
نفر نیز مجروح و بستری شدند.
بدینال این یورش سیمانه، ۴۰۰ نفر از کارگران
مبارز اخراج یا تبعید شدند و کارفرما مترسکی از آزادی
خود را، بنوان نمایندگی، بر گروهی زن و کودک و پیر-

کارخانه پیروز شوند و نماینده واقعی خود را انتخاب
کنند و آنرا به کارفرما تحمیل نمایند.
از ابتدای تیرماه سال ۱۳۳۱، کارفرما به بهانه
نداشتن مواد خام و فروش نرفتن محصول و عذر و بهانه‌های
دیگر، درصدد تعطیل کارخانه برآمد.
کارگران، که از این حیل کارفرما آگاه شده
بودند، کارخانه را ترک نکردند و در نتیجه اعتصاب
آغاز شد. این اعتصاب ۲ ماه ادامه پیدا کرد و سرانجام
کارفرما با همکاری دربار و ارتش تصمیم به مقابله جدی
با کارگران گرفتند.
دکتر جوان صفائی رئیس بهداری وقت و چندتن از
«فامیلی‌ها»، که سبامداران کارخانه بودند، گروهی
مزدور در شهر اجیر کردند. از طرف دیگر سرهنگ
اردوبادی، سروان قاضی و سایر قداره‌بندان کارفرما،
روز یازده شهریور را برای هجوم به کارخانه تعیین
کردند.
در این روزها خانواده‌های کارگران اعتصابی،
در اداره پست و تلگراف متحصن بودند و شمار زنان
کارگر در تلگرافخانه عبارت بود از: برچیده‌باد این

یازده شهریورماه در زندگی و مبارزه کارگران
و زحمتکشان سمنان جای خاصی دارد و یادآور تلاش
و جانبازی رنجبران این شهر کارگری است.
درست ۲۸ سال پیش، در ۱۱ شهریور ماه سال
۱۳۳۱، دربار و ارتجاع داخلی، اعتصاب قهرمانانه
کارگران کارخانه ریسندگی سمنان را بخون کشیدند
و پس از یکساعت تیراندازی و کشتن و مجروح ساختن
بیش از ۲۰ نفر از کارگران اعتصابی، کارخانه ریسندگی،
این قدر تسخیر ناپذیر زحمتکشان را بتصرف درآوردند.
مبارزات کارگران سمنان، که سالها در دوران
سیاه دیکتاتوری رضاشاه، زیرتلاقی استعمار کارفرمایان
آزمند بودند، پس از شهریور ۲۰ شکلی تازه گرفت.
عدمی از کارگران یا فعالیت در حزب توده ایران و
شورای متحد مرکزی، به بالا بردن سطح آگاهی خود
پرداختند و هر روز برای احقاق حق خود بیشتر بسیج
شدند. در سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ چند اعتصاب در
کارخانه ریسندگی رخ داد و کارفرما یا پذیرش برخی
از تقاضاهای اعتصابیون، از گسترش اعتصاب با کمک
مشتی مزدور و اوباش و ماموران دولتی جلوگیری بعمل
آورد.
پس از سال ۱۳۲۵، هزمان با یورش همه جانبه
ارتجاع به سازمانهای دموکراتیک، فعالیت کارگران نیز
بظاهر تخفیف یافت و این آرامش قبل از توفان، تا
سال ۱۳۳۰ ادامه داشت.
در این سال کارگران، که تشکیلات مخفی خود
را گسترش داده بودند، توانستند در انتخابات داخلی

در مطبوعات کشور

هشیاری و بیداری مادر بر آب توطئه‌های امریکا یک وظیفه ضرور است

... اگر میلیاردها دلار عایدی
زمینه عمل کرده‌اند یک لحظه نباید
چشم از دشمن غدار و کینه توزیریندم
و از او غافل شویم - شب و روز یا
چشمان باز باید از انقلاب خود
پاسداری کنیم. همین هوشیاری و
مراقبت دائمی مردم و افراد مومن
سیاه و کینه‌ها و سایر نیروها و
گروههای انقلابی است که فرصت
پیروزی را از دشمن گرفته است و
اقدامات و توطئه‌های او را با ناکامی
روبرو ساخته است. همین حضور
امام را مطمئن از امنیت انقلاب در
برابر آمریکا میسازد و تلاشهای
وی را به مسخره میکشد و با
اطمینان خاطر اعلام میکند آنها هیچ
غلطی نمی‌توانند بکنند. ولی این
اطمینان خاطرها نباید دلیل غفلت ما
شود. در این زمینه:
اجرای طرح تشکیل ارتش بیست
میلیونی، استقرار واحدهای مسلح از
کارگران و دهقانان در کارخانجات
و روستاها برای پاسداری دائم و
کمیته‌ها در محله‌ها و آموزش نظامی
و تربیت مسلح شدن در اسرع وقت
و دادن رهنمودهای دیگر در این
رابطه ضروری است.
(نامه، ۵ شهریور ماه ۵۹)

باید مسئله تشکیل کابینه و
تصویب برنامه دولت را هرچه
زودتر خاتمه داد. باید آستین‌ها
را بالا زد، در شهر و روستا،
کارخانه و کشتزار، مدرسه و
مسجد به پاکسازی، نوسازی،
ایجاد و ساختن پرداخت. باید
دست در دست هم، پشت به پشت
هم، در دستر انقلاب، مسلح و
معمم، زیر رهبری امام خمینی،
آماده دفاع تا آخرین قطره خون
از جمهوری اسلامی ایران بود.
ما به انقلاب و جمهوری اسلامی
ایران و به کلیه نهادهای انقلابی
برخاسته از انقلاب امیدواریم.
آنچه گفتیم، ناشی از بیم‌ها و
امیدهایست که تاریخ گذشته
انقلابهای ایران و دیگر کشورها
بما گوشزد میکند. همانطور که
امام خمینی میگویند:
کاری نکنیم که ما در حق و
حقیقت خودمان متفرق باشیم و
باطل در باطل خود متحد!

از آمادگی سوریه برای توسعه روابط و همکاریها با جمهوری اسلامی ایران استقبال کنیم

بنایه گزارش مطبوعات، بعد از ظهر روزشنبه
(۸ شهریور) سفیر جمهوری سوریه در تهران با
حجت الاسلام رفیعیان، رئیس مجلس شورای اسلامی
ایران ملاقات و گفتگو کرد. در این ملاقات، سفیر
سوریه، پیام حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه را به
حجت الاسلام رفیعیان تقدیم نمود.
حافظ اسد رئیس جمهور سوریه، در پیام خود،
آمادگی دولت سوریه را برای همکاری در مسئله
فلسطین، جنوب لبنان و مبارزه با استعمار در منطقه
در هر زمینه‌ای، اعم از فرهنگی و اقتصادی و نظامی،
با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اعلام داشته و
خواستار توسعه روابط میان دو کشور شده است.
ملاقات سفیر سوریه با رئیس مجلس شورای
اسلامی ایران و پیام رئیس جمهور سوریه به مجلس
دولت ایران میتواند نقطه‌مندی برای تحولات کیفی
و گسترش روابط و همکاریهای جمهوری اسلامی ایران
با جمهوری سوریه باشد. برای یک چنین تحول و
گسترش در روابط میان جمهوری اسلامی ایران و
سوریه زمینه‌های عینی و اشتراک مواضع و منافع
بسیاری موجود است. انقلاب و جمهوری اسلامی ایران
و سوریه، بنیانه کشور مورد تجاوز اسرائیل و عضو
جبهه پایداری در برابر تجاوز اسرائیل و امپریالیسم
آمریکا، هر دو آماج توطئه‌ها و تجاوزها و طرحهای
مداخله گرانه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم هستند.
جمهوری اسلامی ایران و سوریه هر دو در خط مقدم
مبارزات ضدامپریالیستی خلقهای منطقه و درگیریهای
سرنوشت ساز با امپریالیسم آمریکا و متفقین و رژیمهای
دست نشانده آن در منطقه هستند.
دولت سوریه از نخستین روز پیروزی انقلاب
شکوهمند مردم ایران هواره از انقلاب و جمهوری
اسلامی ایران پشتیبانی کرده و آمادگی خود را برای
توسعه روابط و همکاری با جمهوری اسلامی ایران
در همه زمینه‌ها اعلام داشته است. مواضع قاطع و بیکیفر
سوریه و سایر کشورهای عضو جبهه پایداری، یعنی
لیبی، الجزایر، یمن، دموکراتیک و سازمان آزادیبخش
فلسطین در برابر زودبندهای کمپدیوید میان رژیم
سادات با اسرائیل و در برابر توطئه‌ها و اقدامات تجاوزی
آمریکا و اسرائیل در منطقه، از عوامل غیرتوسعه
گسترش روحیات و مبارزات ضدامپریالیستی خلقهای
منطقه بشمار میآید.
پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، که شکست
قلمی و جبران ناپذیری در سراسر منطقه بر مواضع
سیاسی و اقتصادی و نظامی امپریالیسم آمریکا و
صهیونیسم وارد ساخته، مواضع کشورهای عضو جبهه
پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین را در برابر
امپریالیسم آمریکا و اسرائیل تقویت کرده و به جبهه
مبارزات ضدامپریالیستی خلقهای این منطقه استحکام

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

دوست عزیز، رونق کمک مالی
شمارسید، مستحکم
هواداران حزب در بجنورد
۴۵۰۰ ریال
محمد. س. از قزوین
۵۰۰۰ ریال
علاقتمندان می‌توانند کمک
مالی خود را به حساب بانکی به
نام قس کمیته شماره ۳۲۳۳
شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران
(شعبه شاه اسماعیل سنوی)،
خیابان شهید دکتر حسین
فاطمی ببرازند.

پاسخ مسئولین بخواستهای مردم

بدینال درج یک خبر در مورد
خواست های سنگینکی تسخیر بجان
داروخانه‌های آذربایجان شرقی در
تازه مردم، شماره ۳۴۱، مورخ
(۵۹.۳۱)، فرمانداری شهرستان تبریز،
طی نامه‌ای به مدیرکل کار و امور
اجتماعی استان آذربایجان شرقی، که
فوتوکی آن از طریق وزارت ارشاد
ملی به نامه «مردم» فرستاده شده
است، خواستار رسیدگی به خواست
داروخانه‌ها هستیم.

برقور باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

زمین داران بزرگ در پن گون محتوای انقلاب را وارونه جلوه می دهند



روستای یزکون - در کرام شرایبیا و قصبه تانگما در دیای مالکان بزرگ دیده میشود.

روستای پن گون در منطقه کوهستانی بوانات و در ۸۵ کیلومتری ده بید (۲۷۰ کیلومتری شیراز) واقع است. جمعیت این روستا در حدود ۱۵۰ خانوار است.

زمینهای این روستا دو قسمت است: ۱- یک قسمت بیشتر از نصف زمینها مختص کشت گندم و حبوبات است.

۲- قسمت دیگر باغات میوه است، که محصول آنها بیشتر عبارت است از انگور سیب و ...

زمینهای این روستا اکثر در تملک مالک بزرگ است. قبل از پیروزی انقلاب بهمن، مناسبات فئودالی (ارباب و رعیتی) در اینجا حاکم بود، اگرچه دیگر پابه های آن متزلزل شده است. دهقانان بر روی زمینهای مالک بایستی در سرما و گرما کار می کردند، ولی دست آخر محصول به مالک تعلق می گرفت و فقط، ۱- محصول به دهقانان می رسید.

۲- در حال حاضر نیز در اصل زمینها در اختیار مالک بزرگ است، ولی بر اثر مبارزه دهقانان و بعد از انقلاب، محصول دست آمده بطور نامنصف تقسیم می شود. و این به دلیل شایعه ای است که در اینجا رواج داده اند مبنی بر اینکه، قانون املاجات ارضی می گوید، باید نصف محصول را به مالک داد.

هیئت نظری هنوز به این منطقه نیا آمده است. دهقانان در جریان قانون جدید املاجات ارضی نیستند.

سودجویان شهری محصولات میوه این روستا را به قیمت ارزان می خریدند و آن را به چند برابر قیمت می فروشدند. مثلاً انگور را کیلویی ۴ ریال می خریدند و در شهر حداقل کیلویی ۷۰ ریال می فروشدند. کثرت و زوری به شیوه سنتی انجام می گیرد و از تراکتور و کمباین کمترین توان اثری یافت.

روستای پن گون در دره حاصلخیزی قرار دارد. راهی را که منتهی به این روستا می شود، نمی توان جاده نامید، زیرا کوره راهی است که عبور و مرور به سختی از آن امکان پذیر است (آنهم فقط در تابستان) در زمستانها این امر از نظر تاه مین سخت و ... برای دهقانان تولید اشکال می کند.

منازل روستایان از سنگ و چوب و گل ساخته شده است و در مقابل برف و باران چندان مقاوم نیست. پن گون فاقد برق است، آب لوله کشی ندارد، شرکت تعاونی ندارد و از درمانگاه نیز خبری نیست، و با توجه به وضع خراب "جاده"، رساندن بیماران به شهر به سختی انجام می گیرد.

اخبار دهقانی

پرگانک، غوطه و در بیماریها

پرجونک با پرگانک، نکه دهکده است در منطقه بلوک بوشکان و بوشکان از مناطق شرقی استان بوشهر است با جاده ای فوق العاده ناموار، که موجب نا رضایتی زیاد در بین اهالی منطقه شده است. ده در کمرکش یک تپه واقع شده و مشرف به دشت است.

اهالی ده، که تعداد آنها به حدود ۳۰۰ نفر می رسد، بیشتر زندگی خود را از طریق پرورش دام و کشت و زرع می گردانند. اکثر افراد این ده قشاقی هستند و در ده با یکدیگر به زبان ترکی صحبت می کنند، که این ویژگی سایر دهات این منطقه نیز هست. دوسه خانوار "فارس" یا تاجیک نیز در ده زندگی می کنند. ده از دو محله تشکیل شده، زنها در زمینه دام پروری و شیردوشی به مردان کمک تا این توجهی می کنند.

اهالی ده می گویند که از حدود بیست و پنج سال پیش و پس از یک قشلاق از نواحی سردستان فارس، بزرگان قوم تصمیم گرفتند که در این محل ساکن شوند، ولی به علت اینکه فئودال های بزرگ در منطقه، که همه چیز را در بد قدرت و زمین، انسان و دام را در تبول خویش داشتند، اجازه نزدیک شدن این دهقانان را به زمینهای خود نمی دادند. در نتیجه، اهالی ده در این نقطه، که هیچگونه امکانات بالقوه نیز ندارد، اسکان یافتند.

مرکبات جنوب در خطر بیماری سرطان آسای گموز

بیماری گموز از بیماری قارچی مرکبات است، که به طوقه و ریشه مرکبات حمله می کند و باعث خشک شدن پوسته طوقه و شاخه می شود و از جریان شیره پرورده جلوگیری می کند. این بیماری در اکثر نقاط مرکبات خیز جنوب کشور مشاهده می شود. در اکثر مناطق مرکبات خیز استان بوشهر، نظیر خاشیز، جم، ریزو شبانکاره، نمونه این بیماری مشاهده شده و در بعضی نقاط، که عوامل محیطی برای رشد آن مساعد بوده، خسارات جبران ناپذیری وارد آورده است.

آبپاری غرقابی در زمینهای سنگین و ضعیف شدن درخت باعث تسریع این بیماری و مصلط شدن آن بر درخت می گردد. هم اکنون در منطقه خاشیز چندین هزار اصله لیموشیرین و لیموترش نابود شده و ویا در معرض نابودی است.

روستایان علت پیدایش این بیماری ونا بودی درختان را، سرما زدگی سالهای ۴۳-۴۴ می دانند و معتقدند که سرما زدگی کاملی تواننده عنوان یک عامل تشدید این بیماری و تسریع آن مؤثر باشد.

در دوره رژیم شاه سابق، به دنبال شکایات مردم دهستان خاشیز، کارشناسان زیادی به این منطقه رفته اند، از آن جمله استادان گروه گیاه پزشکی دانشگاه تهران و کارشناسان اسرائیلی، ولی هیچگونه راه حل اصلی ارائه ندادند. در حالی که کارشناسان کشاورزی، روش درمان و مبارزه را برای درختان جوان توصیه و گویا آزمایش کرده اند، ولی به علت عدم پیگیری، با توجه به مشکلات عمل ضد عفونی توسط کات کبود، روستایان این عمل را بی نتیجه می دانند.

آنچه مسلم است، روش مبارزه و درمان خیلی مشکل تر از عمل پیشگیری است، لذا روی عمل پیشگیری باید برنامه ریزی شود و این عمل با کمک کارشناسان منطقه باید شروع گردد. روستایان از نابودی درختان مرکبات خود، این تنها مایه حیات و زندگیشان این تنها منبع درآمدشان، در ترس و لرز بسر می برند و سخت نگرانند. هرچه زودتر باید به داد این روستایان رسید و به مشکلات حیاتیشان رسیدگی کرد.

دهقانان اوج بغاز به کمک قنسی دولت نیازمندند

روستای اوج بغاز در نزدیکی مرغلک شهر کرد قرار دارد و روستای کوچکی است که اهالی آن از راه کثرت و زوری و دامداری مردم امرارم ماش می کنند. مشکل عمده این مردم جاده است، که بر اثر تیرف و بارندگی زیاد در زمستانها در نزدیکی روستای مرغلک (گردنه زهر- مار) زمستانها بسته می شود و در بعضی از سالها بیشتر طول سال عبور و مرور غیر ممکن می شود. ضمناً "قسمتی از جاده ارتباطی فرعی، که روستا را به جاده اصلی وصل می کند، نیز خیلی خراب است. در زمستان، بر اثر بارندگیهای زیاد رودخانه ای که از وسط مزارع آنها عبور می کند، طغیان کرده و اکثر محصولات آنها را از بین برده است.

روستایان از دولت کمک می خواهند تا بلکه بتوانند به وسیله ماشین مسیر آسار درست کنند و زوار را آوردن خسارت جلوگیری نمایند.

پاسخ مسئولین به خواست دهقانان

به دنبال درج یک خبر دهقانی تحت عنوان "خواست های اهالی روستای اسنجان"، که در شماره ۲۲۹، مورخ ۱۳۵۹/۲/۱۸، در نامه "مردم" گردید، نامه ای با شماره ۵۹۳۵ / ۲۱ مورخ - ۵۹/۵/۱۲، از طرف وزارت ارشاد ملی پیوست نامه اداره کل ارشاد ملی آذربایجان شرقی و نامه شماره ۲۴۶۹ مورخ - ۵۹/۴/۱۴، از طرف فرماندار شهرستان تبریز به دفتر نامه "مردم" ارسال گردید. متن نامه فرماندار شهرستان تبریز به شرح زیر است: "تقل می گردد: با زکشت ۱۳۵۹/۴/۹ - ۱۳۵۹/۴/۹ - موارد مندرج در درخواست بدقت بررسی گردید. آن قسمت از خواست های اهالی روستای اسنجان که از لحاظ مالی و امکانات اداری مقدور باشد، به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. نامه "مردم" ضمن تشکر از حسن توجه و پاسخ مسئولین به خواست های دهقانان، امید است با حل مشکلات و رسیدگی به نیازهای دهقانان اسنجان، شرایط مطلوب کار روزندگی در این روستا فراهم آید.

دست خانزادهها از نهادهای انقلابی کوتاه

چاه آب و ایجا دلوله کشتی آب در روستای تنگمان شدند، آنها می گفتند: "مسئول فعلی جهاد در روستاها هست که چند خانوار است آب لوله کشی میکنند و با در روستای پدرش، فئودال منطقه، که روستای بزرگی نیست، مدرسه ساخته، مادر روستای ما، که بیش از ۷۰ خانوار دارد، هیچکاری انجام نداده است". روستایان خواهان برکناری و تصفیه خانزادهها از نهادهای انقلابی و کوتاه کردن دست ابدی و عمال خوانین و زمین داران بزرگ از جهاد سازندگی منطقه اند.

اهالی روستای تنگمان منطقه ریز، از توابع استان بوشهر، در اوائل تیر ماه جهت رسیدگی به خواستهایشان جلو دفتر جهاد سازندگی شهرستان بوشهر اجتماع کردند. روستایان، مسئول جهاد سازندگی منطقه ریز را، که فرزند فئودال منطقه است مورد انتقاد قرار دادند و ضمن برشمردن اعمال و خواست برکناری او و انتصاب فردی مسئول و مردمی به سرپرستی جهاد سازندگی منطقه ریز شدند. روستایان از جمله خواستار رفوری حفر



استراحتی کوتاه، بعد از کار طاقت فرسا حتما لازم است و یک پیاله چای، که چاشنی آن باشد خسته نباشید (زنان روستاهای قاشمشهر)

گرانی روز افزون هزینه زندگی پر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد



با اجرای اصلاحات ارضی در افغانستان بهمانان از زیر تسلط فتووالها آزاد می شوند

نیازمحمد، مسئول بخش اقتصادی حزب - دموکراتیک خلق افغانستان، گفت که مردم افغانستان ضمن بیکارموفیت آمیز علیه توطئه ها و دسائش ضد انقلاب، مسائل و مشکلات اقتصادی را نیز تحمل میکنند وی گفت که در حال حاضر اجرای کامل مرحله دوم برنامه اصلاحات ارضی و قانونی کردن زمینهای که به دست دهقانان رسیده است، اهمیت اساسی دارد و دهقانان افغانستان بدین ترتیب است که از زیر تسلط مالکان و فتووالهای خون آشام آزاد میشوند.

نیازمحمد گفت که: تاکنون بیش از هفتاد و صد شرکت تعاونی در روستاهای افغانستان بوجود آمده است. دولت بذر، ماشین آلات و کود به شرایط بسیار مساعد در اختیار دهقانان قرار می دهد. دست واسطه ها کوتاه شده و دهقانان می توانند بدون واسطه محصولات خود را در بازار به فروش برسانند.

از سوی دیگر گزارش می رسد که در شهرهای مختلف افغانستان برپایی اجتماعات برای حمایت از اقدام های دولت انقلاب ادامه دارد و دهقانان، کارگران، روشنفکران انقلابی و کسبه و روحانیون - مبارزان برنامه های دولت انقلاب قویا حمایت می کنند.

در این میان واحدهای ارتش افغانستان و گروه های دفاع از خود، در مبارزه با عوامل ضدانقلاب پیروزیهای جدیدی به دست آورده اند.

پر تغال به پایگاه نظامی آمریکا تبدیل میشود

دولت دست راستی پرتغال به رهبری ساکا رینرو، بزعم اعتراض محافظان - اجتماعی و احزاب ترقیخواه پرتغال، بیش از پیش کشور را به پایگاه عمده تجار و آمریکا و ناتو تبدیل می کند. در بروکسل اعلام شد که آمریکا توانسته است رضایت دولت پرتغال را برای ایجاد پایگاه بزرگ دریایی در منطقه سینش (بسندری دریای شمال) جلب کند. در این پایگاه کشتی های جنگی آمریکا، از جمله ناوهای هواپیما براتی رفت و آمد خواهد کرد. از سوی دیگر در معانیل مطبوعاتی - بروکسل اعلام شده است که دولت پرتغال آمادگی خود را برای تعدی با راه پایگاه هوایی لایس اعلام کرده و پذیرفته است که در فضا حبه آروور یک پایگاه دریایی در اختیار آمریکا قرار دهد.

انتصاب دیکتاتور کره جنوبی به ریاست جمهوری

چونگ دوخوان، دیکتاتور کره جنوبی، به ریاست جمهوری آن کشور منصوب شده است. باصلاح انتخابات ریاست جمهوری به گروهی از "برگزیدگان" محول گشت، که تنها نامزد این سمت را تأیید کردند! دیکتاتور کره جنوبی در سرکوب قیام اخیر مردم کره جنوبی، بویژه در استان کوانگجو، نقش فعالی بعهده داشت. در جریان این قیام سه هزار گریه ای کشته و هزاران تن دستگیر و یا مجروح شدند.

انحصارات بزرگ ژاپن خواستار افزایش بودجه نظامی هستند

حزب حاکم لیبرال دمکرات ژاپن، به تلاشی گسترده دست زده است، تا گرایش به راست را در کشور توجیه کند. لیبرال دمکراتها اکنون آشکارا مفاد قانون اساسی را نقض و "سازمان دفاعی" ژاپن را بیش از پیش تقویت می کنند. اتحاد با آمریکا تحکیم روابط ژاپن و سازمان نظامی ناتو نیز تقویت میشود. از سوی دیگر انحصارات بزرگ ژاپن به یک مبارزه آیدئولوژیک - سیاسی تقویت روح ناسیونالیستی دست زده اند، تا بدین ترتیب افزایش بودجه نظامی را "قابل فهم" سازند. در ارتباط با این مبارزه، مسئله خطر موهوم "تهدید شوروی" بار دیگر علم میشود. مجتمع های نظامی - صنعتی ژاپنی، با توجه به اوضاع اقتصادی در غرب، تقاضا دارند که مخارج نظامی هر چه بیشتر افزایش یابد. روزنامه آکاها تا، ارگان حزب کمونیست ژاپن، نوشته است که محافل حاکم ژاپن می خواهند مفاد قانون اساسی را زیر پا گذاشتند و زبان زحمت کشان، مخارج نظامی را افزایش دهند.

اعتراف رهبران چین به اشتباهات فاحش مائو تسدوون!

دنگ سیا توپینگ، معاون نخست وزیر چین، در مصاحبه با نشریه "ایپالیا" - کوریا دلسرا، با صراحت اعتراف کرد که در نتیجه اشتباهات فاحش مائو تسدوون، عده بسیار زیادی که به چین خدمات شایان کرده بودند، بقتل رسیدند. دنگ گفت که ما شواهد مرکزیت - دمکراتیک را زیر پا گذاشته بود.

دیدار هیئت نمایندگی حزب کمونیست ایتالیا از اتحاد شوروی پایان یافت

یک هیئت حزب کمونیست ایتالیا به دیدار خود از اتحاد شوروی پایان داد. این هیئت از مسکو، لنینگراد و تاشکند دیدن کرد و کارخانه های بزرگ کشورها را دید و آسایشگاه های کارگران را مورد بازدید قرار داد و از چگونگی حل مسأله ملیت ها در اتحاد شوروی بر اساس رهنمودهای لنین آشنا شد.

صهیونیستهای تل آویو زمینهای اعراب را در بیت المقدس شرقی غصب میکنند

صهیونیست های تل آویو و یو طرح های خود را در مورد بیت المقدس، برغم اعتراض گسترده جهانی پیش می برند. در تل آویو اعلام شد که سه خانوادگی عرب، که در مجاورت دفتر نخست وزیر رژیم تل آویو در بیت المقدس شرقی ساکن بوده اند، از خانه و کارخانه خود بیرون رانده شده اند. از سوی دیگر تل آویو برنامهای برای از مدتی برای غصب زمینهای اعراب بیت المقدس شرقی و ایجاد پایگاه های یهود - نشین در این زمین ها طرح کرده است.

حزب کمونیست عراق باردیگر همبستگی خود را با انقلابهای ایران و افغانستان اعلام میدارد

در زمینه داخلی، پلنوم ضرورت مبارزه مشترک و متحد همه نیروهای ملی و دمکراتیک مخالف رژیم را برای واژگون ساختن پادشاهی پانگوتوری صدام حسین و استقرار حکومتی دمکراتیک و خلقی در آن کشور خاطر نشان ساخت. کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، در پیامی به گروه های پارترتانی ملی در کردستان عراق، همبستگی خود را با نیکار مسلحانه آنها علیه رژیم خونخوار عراق اعلام داشت. در گستره مسائل خارجی، پلنوم در دو قطعه جداگانه پشتیبانی بی - چندی پیش پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، با شرکت رهبران و بسیاری از مسئولان بلنهایی آن حزب، تشکیل جلسه داد. این جلسه به بررسی اوضاع کنونی عراق و فعالیت های گروهی حزب پس از مراد ۱۳۵۸ اختصاص داده شده بود. پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، همچنین به مسائل مربوط به ضرورت تلاش بیگانه برای تشکیل یک جبهه دمکراتیک ملی، سازماندهی حزبی و گروه های پارترتانی، که چندی پیش از سوی حزب تشکیل گردیده، پرداخت.

تبدیل سومالی به پایگاه نظامی آمریکا موجب تگرانی شدید کشورهای منطقه شده است

کشورهای منطقه خلیج فارس و حوزة آفتاب نوس هند اعلام کرده اند که نمیتوانند در برابر تگرانی های جنگی امپریالیسم آمریکا در منطقه و ایجاد پایگاه های نظامی در عمان، کنیا و سومالی بی تفاوت بمانند. علی بن محمد، رهبر جمهوری دمکراتیک خلق یمن اعلام کرد که رژیم سومالی با اعطای پایگاه نظامی به امپریالیسم آمریکا، امنیت این کشور را به مخاطره افکنده است. علی بن محمد متذکر شد که پایگاه های نظامی آمریکا تشنج اوضاع را افزایش میدهد، اما یمن دمکراتیک از توان کافی برای دفاع از خود برخوردار است. از سوی دیگر، وزیر خارجه جمهوری - دمکراتیک خلق یمن در سوریه با رهبران این کشور درباره طرح های خطرناک امپریالیسم آمریکا در منطقه مذاکرات مهمی انجام داد. دولت اتیوپی نیز اعلام کرد که پایگاه آمریکا در سومالی، خطری جدی برای اتیوپی است و آمریکا سومالی را در تجاوز به اتیوپی تشویق میکند.

رژیم ضیاء الحق مسئول آشوب های هند است

مقام های هندی اعلام کردند که رژیم دیکتاتور دست نشانده ضیاء الحق در آشوب های فرقه ای و مذهبی هند دست دارد. روزنامه "هندوستان تایمز" در ارتباط با مداخلات بیشرمانه رژیم - نظامی پاکستان در امور داخلی هند، می نویسد که داروستانه نظامی اسلام آباد می خواهد توجه مردم پاکستان را از وضعیت روز افزون اوضاع اقتصادی کشور و سرکوب تمام حقوق آزادی های دمکراتیک در پاکستان منحرف سازد و بدین جهت تلاش می کند که در امور کشورهای دیگر مداخله کند. در ماه های اخیر بیش از سیصد جا سوس و خرابکاری های کثرتی در هند با زدا شده اند.

کنگره دانشجویان آمریکای مرکزی امپریالیسم آمریکا را محکوم کرد

کنگره دانشجویان آمریکای مرکزی در بیانیهای در ماناگوا، پایتخت نیکاراگوئه، تلاش امپریالیسم آمریکا را برای سرکوب جنبش رها بی بخش منطقه قویا محکوم کرد. مداخلات آمریکا برای نجات رژیم دست نشانده السالوادور، که باختم روز افزون توده های به پای خاسته و برور شده است نیز توجیه شد. نمایندگان دانشجویان آمریکای مرکزی طلب کردند که امپریالیسم آمریکا به مداخلات در السالوادور پایان دهد و استفاده بیشرمانه از رژیم - دست نشانده گواتمالا و هندوراس را برای توطئه علیه خلق السالوادور متوقف سازد. دانشجویان همچنین با مبارزه مردم گواتمالا علیه رژیم دست نشانده این کشور را از همبستگی کردند. دانشجویان خواستار آزاد شدن نمایان سیاسی در هندوراس شدند.

حمله به محل فروش نشریات حزب توده ایران در ماسال ولشت نشا

ساعت ۵/۵۹/۳۱ جمعه، عده ای از عوامل ضد انقلاب با استفاده از تازیکی، شب، با چند کتک مولوتف، کتا بفروشی "کاوه" در ماسال را، که متعلق به هواداران حزب توده ایران است، به آتش کشیدند. اهالی محل که در اثر انفجار زجرها ن باخبر شدند، ما موران آتش نشانی و مسئولین زاندارمری و اداره برق را از این واقعه آگاه کردند و خود به کمک ما موران آتش نشانی، آتش را خاموش کردند. در این آتش سوزی، مقدار زیادی کتاب، روزنامه و دیگر کتب از کتاب - فروشی طعمه حریق شد و خسارات مالی زیادی وارد آمد، که صورتجلسه آن توسط مسئولین زاندارمری تنظیم شد. همزمان با این حمله، عده ای از عناصر مشکوک ساعت ۴ صبح روز جمعه

در جهان سوسیالیسم

کشورهای شورای همیاری اقتصادی پویاترین منطقه صنعتی جهان را تشکیل میدهند

"شورای همیاری اقتصادی" از ده کشور سوسیالیستی تشکیل می شود، که ۴۰۰ میلیون نفر، یعنی کمی بیش از ده درصد سکنه جهان، در آن زندگی میکنند. ماهم این کشورها در اقتصاد جهانی به مراتب پیش از این است. کشورهای "شورای - همیاری اقتصادی" یک سوم تولید صنعتی و یک پنجم تولید کشتا و رزی جهان را به عهده دارند.

کشورهای عضو "شورا" یک سوم فولاد، دویزیم کودهای کانی و یک چهارم ماشین آلات فلزکاری جهان را تولید می کنند. گزارشی که چندی پیش در باره فعالیت های اجتماعی - اقتصادی "شورای همیاری اقتصادی" در سال های ۵۸ - ۱۳۵۵ منتشر شد، ثابت می کند که کشورهای عضو "شورا" پویاترین منطقه صنعتی جهان را تشکیل می دهند. در این منطقه نه از زیباری خبری است و نه از بحران و رکود.

در چهار سال تا مبرده، تولید صنعتی اعضای "شورای همیاری اقتصادی" ۲۲ - درصد تولید کشتا و رزی آنها ۱۰ درصد بیشتر از سال پیشین بوده است. این افزایش برای درآمد سرانه واقعی ۱۵ درصد و برای بازدهی بازرگانی متناوب ۳۶ درصد است.

در سالهای گذشته دگرگونی های ساختاری مهمی در صنایع کشورهای عضو "شورای همیاری اقتصادی" به وقوع پیوسته و به گسترش شاخه های تولیدی مانند مهندسی، نیرو، شیمیائی و پتروشیمی اولویت داده شده است. این صنایع اکنون ۴۲ درصد تولید صنعتی را تشکیل می دهند. در سالهای ۵۸ - ۱۳۵۵، مدها مو سه صنعتی جدید در کشورهای عضو "شورا" احداث شده است. شماره اینگونه مو سه سات تنها در اتحاد شوروی در سال گذشته ۲۰۰ بود. در چهار سال تا مبرده، در کشورهای عضو "شورای همیاری اقتصادی" ظرفیت نیروگاهها، ۵۵ میلیون کیلووات تولید پایانشگاهها و معادن به ترتیب ۷۷ و ۲۱۰ میلیون تن بیشتر شد.

در جهان سرمایه داری

بیداد بیکاری در کشورهای سرمایه داری

سال گذشته، نرخ تورم در بریتانیا ۱۹ درصد بود. افزایش هزینه زندگی در بریتانیا از همه کشورهای سرمایه داری صنعتی سریع تر است. پیش بینی می شود که تا چهار ماه دیگر نرخ تورم در کشورهای "پا زار مشترک" به ۱۱ درصد برسد. در عین حال، موازنه پرداختهای این کشورها ۵۶۰ میلیون فرانک بلژیک کسری خواهد داشت، که رکورد جدیدی به شمار می رود. در بیام سال گذشته بدهکاری آمریکا با بابت اعتبارات دریافتی ۸۸۶ میلیون دلار بود. نرخ تورم در کانادا در سال گذشته ۹/۲ درصد و درآمد سالانه ۲۵ درصد جمعیت کانادا به مراتب پایین تر از نرخ فقر بود. در دهه گذشته، قیمت ها در این کشور ۲۰۰ درصد بالا رفته است. در سال گذشته، نمودار قیمت کالاهای مصرفی در یونان ۲۲/۸ درصد افزایش یافت. افزایش برخی از این کالاها به شرح زیر است: گوشت: ۴۲ درصد، ماهی: ۹۲/۵ درصد، شیر: ۵۳/۳ درصد، میوه: ۵۱/۲ درصد. کرابه و سایر ترابری همگانی بانک ۵۶/۶ درصد بیشتر از سال پیش است.

۱۳۵۹/۵/۳۱ به محل فروش نشریات حزب توده ایران و دیگر سازمانهای ترقی در ولشت نشا حمله ور شدند و خساراتی وارد کردند. اعضا و هواداران حزب توده ایران در "ماسال" و "ولشت نشا" از مقامات مسئول محل انتظار دارند که جهت غنشی کردن اینگونه اعمال توطئه گرانه ضد - انقلابیون، که سعی می کنند منطقه را به آشوب و هرج و مرج بکشند، اقدام فوری و قاطع به عمل آورند.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

«دو ابر قدرت»

واژه "ابر قدرت"، که طی دهه اخیر مرسوم شده به خودی خود واژه غلطی نیست. قدرت (در انگلیسی: پاور) مبنای حکومت و حاکمیت و یا کشور است و "ابر قدرت"، یعنی کشور یا حکومتی که از جهت توان اقتصادی و نظامی و فنی و فرهنگی از قدرتها و کشورهای بزرگ جهان بازم قویتر و بزرگتر است. از این جهت به ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی نام "ابر قدرت" داده شده است. تا اینجا نمی توان از جهت علمیت و عینیت

ایرادی داشت. زمانی لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی گفت: از اینکه کشوری به "ابر قدرت" بدل شود، نمیتوان اشکالی بر آن کشور وارد کرد. حتماً منابع عظیم ثروت طبیعی و انسانی به او این امکان را داده است. ولی باید دید، حال که به "ابر قدرت" بدل شده است، آن قدرت شگرف خود را در چه مسیری به کار می برد: به سود خلقها یا به زیان خلقها. همه مطلب اینجاست.

"ابر قدرت بودن"، مانند نیرومندترین وزن برداریا کشتی گیر یا مشتزن یادونده یا چهنده بودن بخودی خود حسن است نه عیب، به شرط آنکه آن قهرمان نیرومند، قدرت بدنی خود را در مسابقه سالم ورزشی به کار ناندازد، نه مثلاً برای آزار و تاراج و تحمیل اراده و روشهای اوباشانه دیگر. جنایت تبلیغات امپریالیستی - مائوئیستی در اختراع اصطلاح سراپاجعلی، فریبکارانه، خدعه گرانه "دو ابر قدرت" است که مسنظور ایالات متحده آمریکا، سر زمین - میلیاردرها، بازرگانان بی رحم نفت و اسلحه و مواد مخدر، و استعمارگران زورگواست از سوئی، و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، که زاده انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت و سرزمین حاکمیت کارگران و دهقانان است و در آن احدی ثروتی جز دسترنج خود ندارد، از سوی دیگر اتحاد شوروی در عمرش و سماله خود

نقش خویش را از جهت دفاع از صلح، دفاع از حقوق خلقهای مظلوم، مبارزه بی امان با فاشیسم و امپریالیسم چنان ثابت کرده است که الحق که "خورشید ربه گل نشاید انداختید".

وقتی گروهی از صدیق ترین و شجاع ترین و بزرگترین رهبران انقلابی جهان مانند، هوشی مین لهدوان، فیدل کاسترو، جمال عبدالناصر، یاسر عرفات، دکتر اوگوستینو، آلنده، و دهها و دهها نام درخشان دیگر، این واقیعت را، آنهم نه یکبار بلکه به کرات و به مراتب تصریح و تاکید کرده اند، دیگر محلی برای شبهه افکنی باقی نمی ماند.

شوروی و آمریکا را به عنوان "دو ابر قدرت" در کنار هم نهادن، مبتنی بر این سفسطه مضحک و ازان است که هر دو چیز که در یک سفسطه و چه مشترک داشته باشند، پس گویا درهمه چیز مشترکند!

موافق این سفسطه مضحک و مبتذل، مثلاً سلطان محمد آل مظفر، پادشاه خونخوار فارس و شمس الدین محمد حافظ شیرازی، شاعر بزرگ و انسان دوست مازامی توان به عنوان دو ایرانی فارسی زبان هم عصر که اتفاقاً هم نام هستند، کاملاً در کنار هم نهاد و یکی گرفت! این استدلال مانند "استدلال" خنده دار جناب قطب زاده است که یاد در غیب فرمود، مگر گلوله سوسیالیستی و گلوله امپریالیستی با هم فرق دارد؟! از این آقای مسلمان باید پرسید که: آیا ذوالفقار عدالت گستر علی را با شمشیر جنایت پیور این ملجم می توان تحت عنوان "شمشیر شمشیر است" یکی دانست؟! عدل و ظلم هر دو، به ناچار با وسایل همانند عمل می کنند، ولی یکی متجاوز است و دیگری مدافع یکی به قصد تحمیل اراده، ظالمانه خود عمل میکند

و دیگری به قصد دفاع از حق مظلوم. پاسداران مدافع جمهوری اسلامی نیز علیه ضد انقلاب گلوله به کار می برند. ضد انقلاب هم گلوله به کار می برد. آیا گلوله ضد انقلابی با گلوله انقلابی فرق دارد؟ البته! پس جناب قطب زاده مشاهده می فرمایند که چقدر در احتجاجات متفرعانه خود سفسطه هستند. این تشبیه و همانند سازی دوجیز به کلی مخالف یکدیگر بر اساس یک وجه شبه که بین آنها موجود است، یک سفسطه قدیمی است، که مولوی آن را در داستان زیبا و معروف "بود بقالی مرزا و طوطی" هجو کرده و نتیجه گرفته است:

صدهزاران این چنین اشتباه بین فرقتان هفتاد سال راه بین

حالا مابین دو ابر قدرت شوروی و آمریکا، راه از هفتاد سال هم بیشتر است. آمریکا در قرن هجدهم به عنوان یک دولت مستقل سرمایه داری پدید شد و در قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم به سرعت، به تانکا استفاده از ثروتهای زیر زمینی خود و غارت بیدریغ کشورهای آمریکای مرکزی و آمریکای لاتین و استعمار جزایر فراوانی در اقیانوس کبیر و شرکت در تجارت بین المللی و مهندسی نظامی - سیاسی با پسر عموهای انگلیسی، به گردن شتابزده ترین قلدرهای غارتگر بین المللی، نخستین راهزن و یک گانگستر واقعی تاریخ بدل شد. اگر مثلاً آقای اسحق فرهمند پیور، وکیل - مردود سابق مجلس شورای اسلامی، تا کنون نفهمیده است که جنایات آمریکا در کجاست و تنها "دو صد لئن" را بر آمریکا در قبال "پنج صد لئن" بر شوروی مجاز شمرده، خلقهای گره جنوبی، شیلی

السالوادور، بولیوی، و غیره که هم اکنون پیکر خود را زیر چکمه این جهانخوار احساس می کنند، می توانند اطلاعات جالب فراوانی به آقای فرهمند - پیور بدهند، (البته اطلاعات شخصی خود ایشان هم کم نیست و ایشان شکسته نفسی می فرمایند) یا پدر روحانی مقدس کشیش پائول هانت، اسقف بیروستان اصفهان، که فقط ۵۰۰ میلیون دلار بی قابلیت را برای یک کودتای کوچولو، همراه ۳۰۰ کیلو مواد منفجره تی. ان. تی، البته به قصد آتش بازیهای تفریح آمیز و معصومانه (!) می خواست در ایران مصرف کند و با جناب سفیر فراری انگلیس - مترجان گراهام در ارتباط بود، میتواند در وصف جهانخواران انگلوساکسون مطالبی خدمت طلبان عرضه دارد. اتحاد شوروی اگر قدرتی کسب کرده، که شره خون دل و قداکاریهای ماوراء انسانی دهها سال یک حکومت انقلابی است، آنرا در راه عدالت، در راه دفاع از حقوق حقه خلقهای انقلابی صرف میکند. اگر نکند، همین مائوئیست های هفتاد رنگ چینی مآب معلق دیگر می زنند که: "چطور کشور انقلابی است که وظائف خود را در دفاع از جنبشها انجام نمی دهد؟"، اگر بکنند که می فرمایند: "این هم یک امپریالیسم دیگر است که زیر عنوان سوسیالیستی در امور کشورها مداخله می کند و می خواهد سیطره خود را در جهان برقرار کند."

این عجیب نیست که مائوئیست سفسطه کند و امپریالیست به این سفسطه دامن زند. این عجیب است که این سفسطه هادردستگاه رژیم انقلابی کشور ما بتواند رخنه کند و به اصطلاح متداول ارگانهای مختلف بدل شود. ولی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و دیگر نیروهای انقلابی بی اعتنا به حربایان هزار رنگ و پیروزیهای گذرای این یا آن سفسطه، با طمأنینه اصولی و با قاطعیتی که نظیرش در جهان دیده نشده و با اعتقاد خارا نشین به پیروزی نهائی امرحق در جاده، بر مسئولیت تاریخی خود، در خدمت آرمانهای مقدس بشری گام بر میدارند.

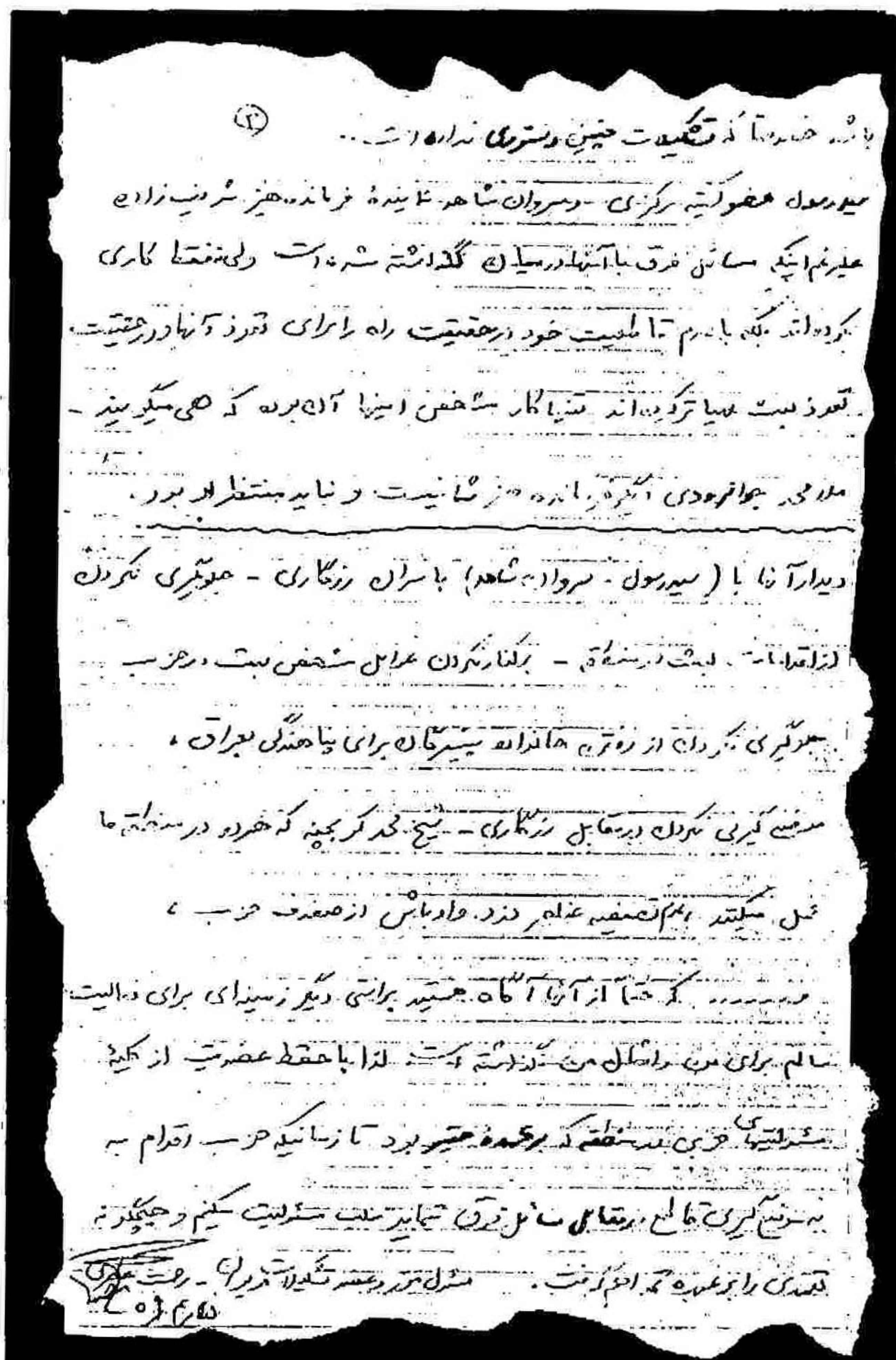
گروه قاسملو مدافع دزدان، اوباشان و مزدوران بعث

یکمته برای چپاول (بنگاه خلع سلاح پاسگاهها) مانند توفیق قادرزاده و المرافایش، حسین زاندارم، کریم حاجی، علی حه شکوه و... دست دوم جوانردان محلی که از ترس جان و اسلحه خود بنهنگام خلع سلاح پاسگاهها به مغوف بیشتر گه های حزب پیوستند. خوب میدانید که بعد از آمدن حزب به داخل شهر، نه تنها تنظیمات حزبی برای تشکیل حوزه و تشکیلات در سطح شهر و روستا بعمل نیامد، بلکه بعلت وجود شخص معلوم الحالی چون محمود آشتیانی در سمت مسئولیت تشکیلات که در اذهان عمومی به مساواکر معروف بوده، باعث دلبری مردم از حزب شد. توفیق قادرزاده که اکنون مامور به قانون می باشد، قبلاً چاش صابرا حه رانان در عراق بوده و در میان مردم هیچ نفوذی ندارد. وی شخصی دزد و شرور است و بارها قوانین حزب را زیر پا گذاشته و حتی یکبار یکی از اعضای تشکیلات را با کشیدن کلنگین تهدید به قتل کرد و یکبار نیز مرا تهدید بقتل کرد. اعمال خلاف خلقی و حزبی او در کلیه گزارشات حزبی که به دفتر سیاسی ارسال شده، منسک شده که متأسفانه تا بحال هیچ اقدامی نکرده اند.

هیچگونه آماری از اسلحه و دارائی حزب در اختیار تشکیلات نیست و اکثر مسئولین طبق آگاهی دفتر سیاسی که مطلع شده اند، دزدند، ولی باز اقدامی نشده است. بعث عراق در حزب نفوذ دارد، خصوصاً بوسیله توفیق قادرزاده، حسین زاندارم و محمود آشتیانی، که محمود آشتیانی برائی اقدام بموقع جوانان مسئول جدید تشکیلات از حزب اخراج شد و این شخص اکنون رهبری حزب دمکرات اسلامی را که در حقیقت از افراد شیخ محمد کریجه می باشد، بر عهده دارد و اکثر بیشترگان ما را نیز در آینده بعلت روابط شخصی بخود ملحق خواهد کرد. از سوسنی اقدامات غیر خلقی، مانند زدن رادیو تلویزیون بوسیله آرمیجی (میریوان)، از بین بردن دکل پایه و وسیله توفیق قادر زاده نمی تواند خواست حزب باشد، خصوصاً که تشکیلات چنین دستوری نداده است...

سیدرسول عضو کمیته مرکزی و سروان شاهد نماینده فرمانده هیز شرفزاده، علیرغم اینکه مسائل فوق با آنها در میان گذاشته شده است، ولی نه فقط کاری نکرده اند، بلکه با عدم قاطیعت خود در حقیقت راه را برای نفوذ آنها و در حقیقت نفوذ بعث میوار کرده اند، تنها کار شخص اینها آن بوده که می بگویند ملامحمد جوانرودی دیگر فرمانده هیز شمانیست و نباید منتظر او بود. دیدار آنها (سید رسول - سروان شاهد) با سران رزگاری جلوگیری نکردن از اقدامات بعث در منطقه، برکنار نکردن عوامل مشخص بعث در حزب، جلوگیری نکردن از فرزند خانواده بیشترگان برای پناهنده گی به عراق، موضع گیری نکردن در مقابل رزگاری، شیخ محمد کریجه که هر دو در منطقه مامل می کنند، عدم تصفیه عناصر دزد و اوباش از صفوف حزب و... که حتماً از آنها آگاه هستیم، برانسی دیگر زمینه ای برای فعالیت سالم برای من و امثال من نگذاشته است. لذا با حفظ عضویت، از کلیه مسئولیتهای حزبی در منطقه که بر عهده حقیر بوده، تا زمانیکه حزب اقدام به موضهمگیری قاطع در مقابل مسائل فوق ننماید، سلب مسئولیت می کنم و هیچگونه تمهیدی را بر عهده نخواهم گرفت.

مسئول مرز و عضو تشکیلات میریوان، رحمت نظری ۵۹۳۶۱۵



در نامه ای که ذیلاً آنها را منتشر می سازیم، در واقع بیان اعتراض نیروهای صدیق خلق کرد در مقابل روش خائنه قاسملو و همفکرانش در تیر ساختن محتوی مردمی "حزب دمکرات کردستان" و تبدیل کردن آن به گروهی دزد، اوباش و مزدور می باشد.

نامه نخست، که در تاریخ ۲۲ خرداد ۵۹ نوشته شده است، خواست واقعی بیشترگان صدیق خلق کرد را می نمایاند و نشان میدهد که فرزندان واقعی خلق کرد، چگونه دشمنان منافع خویش را می شناسند و برای مبارزه با آنها از هیچ فداکاری دریغ نمی کنند. نامه دوم بیان شدت اعتراض آمیزه وضعی است که قاسملو و همفکرانش در حزب دمکرات کردستان پدید آورده اند و این حزب را به وسیله ای در دست مزدوران دشمن بدل کرده اند. این دو نامه بیانگر این واقیعت است که نیروهای صدیق خلق کرد، بسرعت چشم در برابر اهداف شوم قاسملوها می کشانند و راه خود را بسرعت از راه آنان جدا می سازند. حزب دمکرات قاسملو، بسرعت به اجتماع مشتت دزد، اوباش و مزدور سرسپرده بعث بدل میگردد.

نامه اول
(از مفرضه شاه و داوطلبان به حزب دمکرات کردستان ایران)
محترماً عرض می رساند که بیشترگان جان بر کف مفرضه شاه و عده ای دیگر از بیشترگان داوطلب از حزب دمکرات کردستان ایران تقاضا می نمایم بایشیانی کامل حزب دمکرات، که نامبردگان آمادگی خود را برای مبارزه در مناطق گردشین پناه، میروان، قهر شیرین، باوه، نوسود، جوانرود، نفتشهر و اطراف کرمانشاه یا افراد پالیزبان، اویسی و سیاه رزگاری و ایادی و سرسپردگان حزب قاسمیست بعث عراق (شیخ محمد کریجه، عثمان قشبندی، سردار جاف و شیخ جلال حسینی و سایر ضد انقلابیون...) اعلام میداریم. لذا تقاضا داریم امکانات لازم را در منطقه در اختیار داوطلبان قرار دهید تا به این عمل انقلابی خود چانه عمل بیوشانیم و نشان دهیم و مستحکم بردهان دشمنان خلقهای تحت ستم ایران بخصوص ملت رنج دیده کرد کوپینه باشیم.

نامه دوم
دمکراسی برای ایران فرمانده هیزی اسماعیل شرفزاده، سلام گزارش ذیل خلاصه مجموعه ای است از شرایط حزب دمکرات کردستان ایران - تشکیلات میروان. قابل توضیح است که ج. د. ک. ا. در میروان قبل از جنگ تابستان ۵۸، نه تنها هیچ فعالیتی نداشت، بلکه هیچ عضوی نیز نداشت، دفتری در خیابان بیمارستان و تجمع ۳ نفر حسین زاندارم، محمود آشتیانی، توفیق محمودیان در این دفتر، حزب بود و پس، همانطور که آگاه هستیم، بعثک باعث تقویت و نفوذ حزب در میان مردم کردستان، بعلت جایزای بیشترگان در مناطق کردستان شد. این روند بر حزب دمکرات میروان اثر گذاشت و عده زیادی به عنوان پیشمرگ به حزب پیوستند که متأسفانه بیشتر بر دو قسم بودند:

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک در جبهه متحد خلق

کارگران شهر داری پیرانشهر و سنگینی بارگرانی قیمتها



شعواسامیل: گریزان از رنج برنهر و امیدوار به انقلاب

میهن انقلابی ما شرایط بسیار سستی را میگذراند. امپریالیسم جهانی، بسر - کردگی امپریالیسم آمریکا تمام توان اهریمنی خود را علیه خلقهای محروم ما بسیج کرده است و از طرق مختلف، از جمله دامن زدن به نارساییها، میکوشد پشتیبانان واقعی انقلاب را دلزداند و انقلاب را منفرد سازد.

کارگران شهر داری از وضع قیمتها به شدت ناراضی هستند. در این زمینه اسماعیل جیرنی میگوید: "ما هم حق داریم زندگی کنیم، خوب زندگی کنیم، با ورکنید با روزی ۶۰ تومان دستمزد، در حالی که گوجه فرنگی کیلویی ۱۰ تومان، سیب زمینی ۸ تومان، نان - دانه ای ۵ ریال است، دروخته زندگی با هم جفت نمی شود. من ۵ نفره خانواده دارم. نظرش را راجع به نحوه مبارزه با افزایش قیمتها می پرسیم، میگوید:

"قیمت ها را با اید دولت کنترل کند" صحبت به اوضاع عمومی کشور و از جمله کردستان می رسد. میگوید: "دولت باید به معاصره اقتصادی کردستان خانه دهد. مسئله کردستان هم حتما از طریق مذاکره و مسالمت و با استقرار صلح در منطقه، قابل حل است" ابراهیم احمدزاده، کارگر دیگر شهر داری، نیز از گرانی و کمبود مواد و وضعیت ممکن می نالد:

"با اسراغله روزی ۶۰ تومان به هیچ جایی نمی روم، من مهاجر هستم و در اینجا هم به ما نگفته اند موقتی هستیم یا دائمی مجبورم روزی ۱۴-۱۲ ساعت کار کنم. اصلا وضع مشخصی نداریم. نه سندیگا، نه شورا، هیچی. کارت بیمه ای دارم که مال سابق است و الان به درد نمی خورد. انقلاب باید برای ما رفاه و سعادت به ارمغان بیاورد. راجع به حل مسئله کردستان میگوید:

"از درگیری به شدت متنفرم میخواهم کارگران گروه شیمی کوخواستار ملی شدن کامل شرکتهای تابعه هستند

چندی پیش در جلسه اتحادشورا های اسلامی - کارخانجات و شرکت های گروه شیمیکو، مراتب زیر مورد توافق کلیه حاضرین در جلسه قرار گرفت که از جمله عبارتند از:

- ۱- قرارداد هر یک از شوراهای، دونفر از اعضاء خود را به عنوان هیئت مؤسس کتبا" و با اختیار تام معرفی کنند. این افراد بیان کننده نظرات کارکنان واحد صنعتی خود هستند.
- ۲- هیئت مؤسس موقت پشتیبانی خود را از انقلاب اسلامی ایران به رهبری قاطع امام خمینی از طریق افزایش تولید، شرکت در اکیبهای جهاد سازندگی و بسیج ملی و دیگر نهادهای انقلابی و... اعلام می دارد.
- ۳- کلیه اعضاء اتحاد شوراهای خواستار ملی شدن تمام شرکتهای وابسته هستند.
- ۴- اعضاء حاضر در جلسه از وزارت کار تقاضا کردند که هر چه زودتر یک آئین نامه اجرائی که در جهت تثبیت موقعیت شوراهای به نفع کارگران باشد تهیه و ابلاغ شود.

از راه صلح و مذاکره مسئله حل شود حتی یک نفر کشته نشود." باز به جمعی دیگر از کارگران بر - می خوریم. تا می فهمند که برای تهیه گزارشی از وضع زندگیشان آمده ایم همه با هم شروع به درد و دل می کنند، نمی دانند از کجا شروع کنند: از مسکن، از نا آرامی - های منطقه، از گرانی هزینه ها، از بی توجهی مقامات مسئول؟ سرانجام، با توافق خودشان، محمد قربانی حرف می زند:

"من از وارگان ننده هستم. همین کافی است که بگویم با این میزان زجر شکن کرایه خانه و گرانی قیمت ارزاق و ما یحتاج عمومی واقعا " از زندگی سیر شده ام. با حدود ۶۰ - ۵۰ سال سن باید کارگری کنم، آنهم اگر نگویند پیراست و بدرد نمی خورد! گاهی وقتها مجبورم، حتی با ۱۰ تومان دستمزد روزانه هم کار کنم"

این کارگر سالخورده نیز مانند تمام برادران کارگرش و مانند طبقه پر افتخارش از جنگ و درگیری به شدت متنفر است زیرا که طعم تلخ آن را با گوشت و پوست خود احساس کرده است. عبدالله درویشی، کارگر سالخورده دیگری، میگوید:

"۲۶ سال کار می کنم و خیابانها را جا رومی زنم. با اسراغله و اینهمه سابقه خدمت، ماهی ۲۶۰۰ تومان می گیرم، من معتقدم انقلاب هنوز برای کارگران کاری نکرده است. هیچکس هنوز از من نپرسیده دردت چیست؟ هیچ نوع تشکیلات صنعتی هم نداریم. اینها تنها گوشه کوچکی است از زندگی سراسرنج و مبارزه کارگران پیرانشهر.

دولت جمهوری اسلامی باید با ملی کردن بازرگانی خارجی، کوتاه کردن دست - مختران و واسطه ها، ایجاد کنترل دولتی به کار انداختن صنایع تولیدی و دستور لغو معاصره اقتصادی در مورد کردستان، هر چه زودتر ضد انقلاب را در موارد اساسی و از جمله در زمینه اقتصادی خلع سلاح کند. رها نیدویک زندگی شایسته انسان عاقل را به آنها اهدا کرد. این تنها راه حفظ، تعمیق و گسترش انقلاب و دستاوردهای آن است.

مسئولین به نامه «مردم» پاسخ می دهند

اخیرا نامه ای از جانب کارخانه آجرنیات بدست ما رسیده است. در این نامه در مورد خبر مندرج در نامه «مردم» شماره ۲۵۹، مورخ ۵۹/۳/۲۶، تحت عنوان "فقدان امکانات ایمنی کارخانه ثبات..." که به مصدوم شدن دو تن از کارگران منجر شد، توضیحاتی داده شده است. مسئولین کارخانه در این نامه ادعا کرده اند:

- ۱- وسائل ایمنی کارخانه تامین بوده، منتها عدم احتیاطات لازم از طرف برادر عزیز کارگر، که برقکار یا سابقه بوده و در رشته مربوط به خود خدمت می کرده، که باعث وقوع سانحه سافت آور شده است.
- ۲- هیئت مدیره کارخانه از نظر انجام وظائف انسانی و مردمی برای نجات جان و بهبود سریع مصدومین کلیه مساعدتهای ممکن را اعمال داشته... آمادگی هیئت مدیره را جهت پرداخت هرتنوع هزینه... اعلام نموده است.
- ۳- در مورد پرداخت غرامت و شرایطی که

کارگران نه از خطر ایمن هستند، نه در رفاهند



جلو فعالیت ضد انقلاب را در شرکت ذغال سنگ کرمان بگیرد!

در ۱۰۰ کیلومتری شهرستان یزد (جاده شیراز) حوالی "دهشیر" معدنی وجود دارد، که حدود ۴۵ کارگر در آن بکار مشغولند.

این معدن در اجاره شرکت جرقویه است. رنجبران سخت کوش این معدن، در محوطهای بی درو بیگر و پر از گرد و خاک، مشغول کندن، خرد کردن و جمع آوری سنگها هستند.

کارگران، که اکثر ساکن روستاهای اطراف همین معدن هستند، در بدترین شرایط رفاهی و ایمنی بکار مشغولند. آنها نه از گرانی تابستان در امانند و نه از گرند سوز و سرمای زمستان. اکثر کارگران، با سابقه کار ۲ تا ۴ سال، دستمزدی معادل ۶۰ تومان در روز دریافت میکنند. دستمزدهای کمتر از ۶۰ تومان، حکایت از استثمار وحشیانه دارد.

کارگری بنام اسماعیل، که از بدو تاسیس معدن (حدود ۴ سال پیش) در اینجا بکار مشغول است، روزانه ۴۹ تومان دستمزد می گیرد. او با اینکه ۴۰ سال بیشتر ندارد، در اثر رنج و مشقت روزگار، چهره اش چنان دگرگون شده است، که ۴۵-۶۰ ساله بنظر می رسد.

چند نوجوان ۱۵-۱۴ ساله نیز با دستمزد های روزانه ۵۰-۴۰ تومان، در این معدن عمر خود را تباه می کنند.

کارگران از حق بیمه، حق بازنشستگی، حق مسکن، و بطور کلی از هیچ حقی برخوردار نیستند. معلوم نیست که در صورت بروز سانحه ای که تا بحال نیز در چندین مورد (جراحات عمیق، شکستگی پا و دست) اتفاق افتاده است چه کسی باید جوابگو باشد؟ یکی از کارگران، در حالیکه چهره اش حکایت از رنج و حرمانی عمیق دارد، می گفت:

"اگر امروز دستم قطع شود، باید به خانه بروم و در انتظار مرگ روزشماري کنم."

این معدن فاقد هرگونه امکانات رفاهی و ایمنی است. حتی آب آشامیدنی نیز در آنجا یافت نمی شود. گرد و خاک بسیار زیاد است، بطوریکه پای انسان به هنگام راه رفتن حدود ۲۰ سانتی متر ذخاک فرور می رود.

سنگها با پتک خرد می شوند و این کار تمام با خطرات زیادی است. (افتادن سنگ روی دست و پای کارگران، اصابت خرده سنگ به چشم و صورت آنها). ابزاروت نیز برای منفر کردن کوه و بیرون آوردن قطعات سنگ مرمر استفاده می شود. این امر نیز باعث فقدان وسایل ایمنی با خطرات زیادی همراه است.

بعد از انقلاب، جهاد سازندگی کنترل این معدن را به مدت ۵ ماه به عهده گرفت و در همین زمان بود که سطح دستمزد کارگران، که قبلا بسیار پایین بود، به میزان فعلی رسید. بعدها دوباره اداره معدن به صاحب قبلی آن (شرکت معدنی جرقویه) بازگردانیده شد.

کارگران معدن سنگ مرمر توران پشت، چشم امید به انقلاب شکوهمند ایران دوخته اند و بحق خواستار رسیدگی به وضع خویش هستند.

ما از مقامات مسئول می طلبیم که وضع رقت بار این زحمتکشان را، که با شیوه ای وحشیانه استثمار می شوند، مورد توجه قرار دهند. شرط مقدم برای رسیدن به یک وضع نسبتا رضایتبخش، کنترل مجدد معدن بوسیله نهادهای انقلابی و گرفتن آن از دست بخش خصوصی است.

برای پرداخت آن عنوان شده، صحت نداشته است. این موضوع با توجه به این که کلیه کارگران کارخانه منجمه کارگران سانحه دیده مشمول مقررات بیمه های اجتماعی بوده و هرگونه اقدامی در جهت پرداخت غرامت و تامین حقوق وظیفه وراثت، از وظایف قانونی سازمان تامین اجتماعی است. چنانچه هیئت مدیره کارخانه برای کمک و مساعدت به خانواده کارگر متوفی در کنار اقدامات قانونی سازمان تامین اجتماعی تصمیمی اتخاذ کند، راسا اجرا کرده، هرگز چنین تکلیفی به سایر کارگران نکرده و نخواهد کرد."

تامین کار برای کارگران بیگانه یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

امروز به دلیل وضع خاص اقتصادی و حالت اضطراری که در کشور پدید آمده، دولت در بعضی موارد قادر به پرداخت اضافه دستمزد نیست. ما از کارگران آگاه و انقلابی ایران می خواهیم که سعی کنند با تولید بیشتر و کار و تلاش بیگیر خود، دولت را یاری کنند.

ما از مسئولین امر نیز می خواهیم که با تمام قوا با خرابکاران مبارزه کنند و اخلاکاران را، در هر لباس و مقامی که هستند، افشا کنند، تاضد انقلاب از محیط مقدس کارگری برای همیشه رانده شود.

اتحاد شوروی می خواهد با ایران مناسبات خوب و حسن همجواری، مبتنی بر اصل احترام به استقلال، حاکمیت، تمامیت ارضی و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر داشته باشد

دولت آمریکا دخالت نظامی جدیدی در ایران تدارک می بیند

در جلسه علنی دیروز مجلس، که ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه صبح، پدرباست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی و با حضور ۱۸۲ تن از نمایندگان تشکیل شد، منتهی به مجلس شورای اسلامی ایران به نام نمایندگان کنگره آمریکا، که توسط کمیسیون خارجه مجلس تهیه شده بود، جهت اظهار نظر نمایندگان خوانده شد.

در این نامه که توسط حجت الاسلام محمد خاتمی، مخیر کمیسیون خارجه مجلس قرائت شد، جنایات امپریالیسم آمریکا در ایران و همچنین نقض چنانچه کارنامه آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد، که برای ۲۵ سال سلطنتش شاهان و آمریکا را بر ایران مستر ساخت، تشریح شده است.

در قسمتی از این نامه آمده است:

«به موجب اقرار و اعترافات مقامات رسمی آمریکا، طراحی و گرداندگی آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد و تحصیل رژیم شاه فاسد فراری بر ملت ایران واضح و انکارناپذیر است و این بزرگترین جنایت آمریکا در ایران است. این امر آمریکا را متسول و شریک جرم تمام جنایات رژیم شاه در ایران می نماید. این جنایات شامل کشتارها هزارتنی از مردم ایران، از جمله کشتار بزرگ ۱۵ خرداد ۴۳، که حدود ۱۵۰۰۰ نفر مردم بی دفاع و مظلوم را به خاک و خون کشید، زندانی کردن صدها هزار نفر از مردم ایران توسط ساواک، که به دست سیاه آمریکائیت شده بود، صوب کایتولاسیون، ازین بردن اقتصاد ایران و وابسته کردن آن به سرمایه داری خارجی، غارت منابع طبیعی ایران و خصوصاً نفت، نابودی کشاورزی ایران، طرح ازین بردن فرهنگ اصیل اسلامی، فاسد کردن نسل جوان و آلوده ساختن آنان به مواد مخدره، تبدیل ارتش ایران به یک ارتش وابسته به آمریکا و انجام نقض زانبار در متعلقه و شرکت در سرکوبی آزادیخواهان در قزاقستان و در اردن، سپتامبر ۱۹۷۰، و یا لبنان در جنگهای داخلی به صورت حمایت از فلاترست ها و موارد دیگر است.»

آن برخوردار بود، امپریالیسم آمریکا تلاش نمی کرد انقلاب ایران را به زور مختق سازد؟ در عین حال اصل عدم دخالت در امور داخلی جزء لاینک سیاست شوروی، هم نسبت به ایران و هم نسبت به دیگر کشورها بوده و هست. اکتای اینکه گویا اتحاد شوروی در رویدادهای داخلی ایران دست ندارد، گرچه با ساخته های ذهنی فالتستیک، از قبیل دناوی درباره تحویل موهوم عسکره های از ماهواره های شوروی و عناصر ضد انقلابی در آمیخته میشود، در این صورت هم قانع کننده تر بنظر نمی آید.

ملتها در راه آزادی و استقلال بی گزرا نه پشتیبانی میکنند دهها کشوریکه یراه یشرقت مستقل قدم گذاشته اند، به تجربه خود میدانند که اتحاد شوروی آنها را در این مبارزه یاری کرده و می کند در میان این کشورها تعداد زیادی کشورهای اسلامی هم دیده میشوند. آیا میتوان این حقیقت را، که لغو قراردادهای نابرابر منعقد شده میان روسیه و ایران یکی از نخستین اقدامهای جمهوری نوپدید شوروی در رشته سیاست خارجی بوده، نادیده گرفت و از حقیقت سر نزند؟ اما راجع به قرارداد سال ۱۹۴۱ شوروی و ایران، باید گفت که، این قرابه داد اصولاً جنبه کاملاً دیگری دارد و چند دهالی که از روز امضای آن گذشته، نشان دهنده که این یمنان به سود طرفین است.

جناب آقای وزیر امور خارجه، نامه مورخه یازدهم اوت شما بعنوان اینجانب دریافت شد. اگر با سخن بسیار نرم حرف بزنیم، باید تذکر بدیم که این نامه ما را دچار حیرت ساخت. رفتار بی مسئولیت در مورد قسیر حقایق و تناوی کاملاً بی پایه و بی اساس، و سرانجام لحن نامه شما، که برای مناسبات دو کشور دارای حق حاکمیت ملی بیچوجه مناسب نیست، همه این عوامل را نمی توان با استناد به شیوه های تازه مکاتبه دیپلماتیک و صداقت انقلابی استار کرد.

در نامه شما که شامل حملات به اتحاد شورویست، هیچ فکر تازه یی یران نشده، تا چه رسد با فکر انقلابی. بدیسی است که ممکن بود ادعای غیر دوستانه شما را در مورد اتحاد شوروی، که سیاست کشورهای را وارونه نشان میدهد، نادیده گرفت. ولی چون شما مضمون نامه خود را عنی کردید، صلاح میدانیم بیان نامه پاسخ مختصری بدیم، قاشخصی بر اطلاع را در ایران، که ما نسبت به مردم آن احساسات دوستانه داریم، همراه نکند.

در قسمتی دیگر از این نامه، به توطئه هایی که امپریالیسم آمریکا برای درهم شکستن انقلاب ایران، طرح ریزی می کند، اشاره شده و آمده است:

«چگونه می توان به قلیل یهران خوشین بود، در حالیکه دولت آمریکا به توطئه های خود هنوز هم ادامه می دهد. تمامی اخبار و شواهد حاکی از آن است که دولت آمریکا دخالت نظامی جدیدی را در ایران تدارک می بیند. ما همین جا اعلام می کنیم که دولت آمریکا باید بدانند که دخالت نظامی در ایران، سراسر منطقه خاورمیانه و دنیای اسلام را بایک انتقار عظیم روبرو خواهد کرد و ما مسئولیت و عواقب هر نوع ماجراجوئی های نظامی را مستقیماً متوجه دولت آمریکا می دانیم.»

حتی مشکل جوان گفت که آیا این امر بیشتر از عدم شناخت واقعیت و توانایی در تشخیص آنچه که عمداً از سوی دشمنان اتحاد شوروی و ایران، منظور انداختن جنایاتی میان دو کشور در اختیار رهبری ایران گذاشته میشود، تلقی می گردد، یا نتیجه سرهم بندی عمدی پرنسپواری اغشاهی پوج و باطل برای ایجاد سوءنظن در مورد اتحاد شورویست.

در نامه شما همچنین به مسئله افغانستان اشاره شده است. روش ما در این مورد یکی معلوم است و جزئیات آنرا بتفصیل تکرار نخواهم کرد. فقط می خواهم بیکار دیگر خاطرتان سازم که خود مردم افغانستان و دولت آنها مسائل مربوط به امور داخلی افغانستان را میتوانند حل کنند و حل خواهند کرد، و

شما در رابطه با قرارداد سال ۱۹۴۱ و حوادث جنگ جهانی دوم اشاره کردید. ولی نحوه تفسیر این حوادث نمایشگر آنست که از حقایق تاریخ یا بر خبر هستید یا عمداً آرا نادیده میگیرید. حقیقت اینست که اگر اتحاد شوروی اقداماتی را که بعمل آورده بود، بعمل نمی آورد، ایران ناگزیر به دام آلمان هیتلری می افتاد و در نتیجه دچار همان سرنوشتی میشد که نصیب آلمان هیتلری گردید.

آیا میتوان جدی گمان کرد که اگر اتحاد شوروی نبود و جمهوری اسلامی ایران از پشتیبانی مجدانه

شما در نامه خود تلاش کردید خط مشی اصولی کشور ما را در امور بین المللی بدنام کنید و اتحاد شوروی را در یک ردیف با ایلات متحده آمریکا قرار بدهید. ولی از تاریخ نمیتوان این حقیقت را حذف کرد که اتحاد شوروی در تمام سال های موجودیت تله امپریالیسم مبارزه کرده و میکند و از مبارزه عادلانه

شما در نامه خود تلاش کردید خط مشی اصولی کشور ما را در امور بین المللی بدنام کنید و اتحاد شوروی را در یک ردیف با ایلات متحده آمریکا قرار بدهید. ولی از تاریخ نمیتوان این حقیقت را حذف کرد که اتحاد شوروی در تمام سال های موجودیت تله امپریالیسم مبارزه کرده و میکند و از مبارزه عادلانه

امپریالیسم خبری

این واقعت را به چشم خویش مشاهده می کنید که چگونه خبرگزاریهای امپریالیست واقعات را در کشور انقلابی ما و از گونه میسازند و از جنایتکارانی چون قاسملو، کومله ها، روزگاری ها و دیگر مزدوران امپریالیسم آمریکا و بمت سراق، بنام «مبارزان کرد ایرانی، که علیه رژیم خبیثی و بخاطر آزادی می جنگند، یاد می کنند. ولی وقتی این خبرگزاریها از چارچوب ایران پا فراتر می گذارند و مثلا عوامل سیا و مزدوران پاکستان راه که علیه دولت انقلابی افغانستان تحریکات می کنند، مبارزان افغانی که علیه رژیم افغانستان و بخاطر آزادی می جنگند، می نامند، گوئی به دلسوزترین، «بی طرف ترین» و «آزادیخواه ترین» خبرگزاریها بدل شده اند و «خبر» آنها، مستقیماً و بدون کم و کاست در رسانه های گرومی جمهوری اسلامی ایران، انعکاس می یابد!

خبرگزاریهای امپریالیست واقعات را در کشور انقلابی ما و از گونه میسازند و از جنایتکارانی چون قاسملو، کومله ها، روزگاری ها و دیگر مزدوران امپریالیسم آمریکا و بمت سراق، بنام «مبارزان کرد ایرانی، که علیه رژیم خبیثی و بخاطر آزادی می جنگند، یاد می کنند. ولی وقتی این خبرگزاریها از چارچوب ایران پا فراتر می گذارند و مثلا عوامل سیا و مزدوران پاکستان راه که علیه دولت انقلابی افغانستان تحریکات می کنند، مبارزان افغانی که علیه رژیم افغانستان و بخاطر آزادی می جنگند، می نامند، گوئی به دلسوزترین، «بی طرف ترین» و «آزادیخواه ترین» خبرگزاریها بدل شده اند و «خبر» آنها، مستقیماً و بدون کم و کاست در رسانه های گرومی جمهوری اسلامی ایران، انعکاس می یابد!

خبرگزاریهای امپریالیست واقعات را در کشور انقلابی ما و از گونه میسازند و از جنایتکارانی چون قاسملو، کومله ها، روزگاری ها و دیگر مزدوران امپریالیسم آمریکا و بمت سراق، بنام «مبارزان کرد ایرانی، که علیه رژیم خبیثی و بخاطر آزادی می جنگند، یاد می کنند. ولی وقتی این خبرگزاریها از چارچوب ایران پا فراتر می گذارند و مثلا عوامل سیا و مزدوران پاکستان راه که علیه دولت انقلابی افغانستان تحریکات می کنند، مبارزان افغانی که علیه رژیم افغانستان و بخاطر آزادی می جنگند، می نامند، گوئی به دلسوزترین، «بی طرف ترین» و «آزادیخواه ترین» خبرگزاریها بدل شده اند و «خبر» آنها، مستقیماً و بدون کم و کاست در رسانه های گرومی جمهوری اسلامی ایران، انعکاس می یابد!

خبرگزاریهای امپریالیست واقعات را در کشور انقلابی ما و از گونه میسازند و از جنایتکارانی چون قاسملو، کومله ها، روزگاری ها و دیگر مزدوران امپریالیسم آمریکا و بمت سراق، بنام «مبارزان کرد ایرانی، که علیه رژیم خبیثی و بخاطر آزادی می جنگند، یاد می کنند. ولی وقتی این خبرگزاریها از چارچوب ایران پا فراتر می گذارند و مثلا عوامل سیا و مزدوران پاکستان راه که علیه دولت انقلابی افغانستان تحریکات می کنند، مبارزان افغانی که علیه رژیم افغانستان و بخاطر آزادی می جنگند، می نامند، گوئی به دلسوزترین، «بی طرف ترین» و «آزادیخواه ترین» خبرگزاریها بدل شده اند و «خبر» آنها، مستقیماً و بدون کم و کاست در رسانه های گرومی جمهوری اسلامی ایران، انعکاس می یابد!

خبرگزاریهای امپریالیست واقعات را در کشور انقلابی ما و از گونه میسازند و از جنایتکارانی چون قاسملو، کومله ها، روزگاری ها و دیگر مزدوران امپریالیسم آمریکا و بمت سراق، بنام «مبارزان کرد ایرانی، که علیه رژیم خبیثی و بخاطر آزادی می جنگند، یاد می کنند. ولی وقتی این خبرگزاریها از چارچوب ایران پا فراتر می گذارند و مثلا عوامل سیا و مزدوران پاکستان راه که علیه دولت انقلابی افغانستان تحریکات می کنند، مبارزان افغانی که علیه رژیم افغانستان و بخاطر آزادی می جنگند، می نامند، گوئی به دلسوزترین، «بی طرف ترین» و «آزادیخواه ترین» خبرگزاریها بدل شده اند و «خبر» آنها، مستقیماً و بدون کم و کاست در رسانه های گرومی جمهوری اسلامی ایران، انعکاس می یابد!

دشمن تمیدارد؟ اگر چنین است، پس چرا رسانه های گرومی جمهوری اسلامی ایران، از اینکه مردم ضد امپریالیست ایران واقعات این کشورها را از کانال اخبار تحریف شده و دروغ امپریالیسم خبری سرشناسند، صدای اعتراض خود را بلند نمی کنند و در جهت قطع این وابستگی اسارت یار گام بر نمی دارند؟

رسانه های گرومی جمهوری اسلامی ایران از اینکه امپریالیسم خبری، رذیله اعلام می کند که «رژیم خبیثیستان زنها را می برد» بحق بخشم می آیند، ولی معلوم نیست که این رسانه ها چگونه در ادعای «امپریالیسم خبری» در اینکه شوروی بسم ناپالم بر سر مردم افغانستان می ریزد، ذماترید نمی کنند و با آب و تاب آنرا منتشر میسازند!

تلاش امپریالیسم خبری برای معرفی یختیار، این جنایتکار فراری، بعنوان فردی «وطن پرست»، «آزادیخواه» و «مسلمان» بحق موجب تنفر و خشم است، ولی معلوم نیست که چگونه «برهان» الدین ربانی، و دیگر جاسوسان سیا، که از جانب امپریالیسم خبری بعنوان «مبارز» و «وطن پرست» نامیده میشوند، مورد تمجید رسانه های گرومی جمهوری اسلامی ایران نیز قرار می گیرند؟

امپریالیسم خبری، سیاست خبری و تبلیغاتی امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه کلیه نیروهای ضد امپریالیست و مترقی و انقلابی جهان است. باید این واقعیت را در کل خویش درک کرد و به مقابله با آن پرداخت. در خلاف چنین صورتی، امپریالیسم خواهد توانست در جبهه نیروهای ضد امپریالیست شکاف اندازد. آنرا تکه تکه کند و یک یک آنها را درهم بکوبد.

هتیار باشم امپریالیسم خبری تنها به دیگران انقلاب ایران را واژگونه و تحریف شده نمی نمایند، بلکه به ما نیز دیگران را، به زیان ما، معرفی میکند.

بهمین دلیل به عملکرد این پدیده، که «امپریالیسم خبری» اطلاق بیجائی بدان است، باید در مجموع خود برخورد کرد و آنرا به متابه روش کل دنیای سرمایه نسبت به نیروهای ضد امپریالیست جهانی در نظر گرفت. در قیر این صورت، علیرغم تمایل خویش، سيطرة امپریالیسم خبری را بر خود و بر افکار مردم کشور خود پذیرفته ایم.

متاسفانه چنین برخوردی ناقص از سوی مسئولین جمهوری اسلامی و کتر مشاهده شده است. همه

خبرگزاریهای امپریالیست واقعات را در کشور انقلابی ما و از گونه میسازند و از جنایتکارانی چون قاسملو، کومله ها، روزگاری ها و دیگر مزدوران امپریالیسم آمریکا و بمت سراق، بنام «مبارزان کرد ایرانی، که علیه رژیم خبیثی و بخاطر آزادی می جنگند، یاد می کنند. ولی وقتی این خبرگزاریها از چارچوب ایران پا فراتر می گذارند و مثلا عوامل سیا و مزدوران پاکستان راه که علیه دولت انقلابی افغانستان تحریکات می کنند، مبارزان افغانی که علیه رژیم افغانستان و بخاطر آزادی می جنگند، می نامند، گوئی به دلسوزترین، «بی طرف ترین» و «آزادیخواه ترین» خبرگزاریها بدل شده اند و «خبر» آنها، مستقیماً و بدون کم و کاست در رسانه های گرومی جمهوری اسلامی ایران، انعکاس می یابد!

خبرگزاریهای امپریالیست واقعات را در کشور انقلابی ما و از گونه میسازند و از جنایتکارانی چون قاسملو، کومله ها، روزگاری ها و دیگر مزدوران امپریالیسم آمریکا و بمت سراق، بنام «مبارزان کرد ایرانی، که علیه رژیم خبیثی و بخاطر آزادی می جنگند، یاد می کنند. ولی وقتی این خبرگزاریها از چارچوب ایران پا فراتر می گذارند و مثلا عوامل سیا و مزدوران پاکستان راه که علیه دولت انقلابی افغانستان تحریکات می کنند، مبارزان افغانی که علیه رژیم افغانستان و بخاطر آزادی می جنگند، می نامند، گوئی به دلسوزترین، «بی طرف ترین» و «آزادیخواه ترین» خبرگزاریها بدل شده اند و «خبر» آنها، مستقیماً و بدون کم و کاست در رسانه های گرومی جمهوری اسلامی ایران، انعکاس می یابد!

خبرگزاریهای امپریالیست واقعات را در کشور انقلابی ما و از گونه میسازند و از جنایتکارانی چون قاسملو، کومله ها، روزگاری ها و دیگر مزدوران امپریالیسم آمریکا و بمت سراق، بنام «مبارزان کرد ایرانی، که علیه رژیم خبیثی و بخاطر آزادی می جنگند، یاد می کنند. ولی وقتی این خبرگزاریها از چارچوب ایران پا فراتر می گذارند و مثلا عوامل سیا و مزدوران پاکستان راه که علیه دولت انقلابی افغانستان تحریکات می کنند، مبارزان افغانی که علیه رژیم افغانستان و بخاطر آزادی می جنگند، می نامند، گوئی به دلسوزترین، «بی طرف ترین» و «آزادیخواه ترین» خبرگزاریها بدل شده اند و «خبر» آنها، مستقیماً و بدون کم و کاست در رسانه های گرومی جمهوری اسلامی ایران، انعکاس می یابد!

حمله به دفاتر حزب توده ایران را متوقف کنید

بیشتر از یکماه از صدور اطلاعیه دادستان کل کشور، آیت الله موسوی اردبیلی (۵ مرداد ۵۹) دربارهٔ هجوم عناصر غیرمستول و ضدانقلابی (داشخاس مشرفه) به اماکن و دفاتر احزاب و گروههای سیاسی گذشته است. در این اطلاعیه رسمی دادستان کل کشور حمله به دفاتر سازمانهای سیاسی، تخریب و غارت آنها، به صراحت خلاف قانون اساسی، ناقض امنیت قضائی و دو جهت نیت شوم ضد انقلاب توصیف شده است. دادستان کل جمهوری اسلامی ایران در این اطلاعیه تاکید کرده اند که:

«اگر افرادی باین کار ادامه دهند، تحت تعقیب قانون قرار خواهند گرفت.»

لیکن دیده میشود که پس از صدور این اطلاعیه رسمی دادستان کل کشور، بازهم جمله به دفاتر سازمانهای حزب توده ایران، کیوسکها و کتابفروشیهای آن در شهرستانها ادامه دارد و حمله کنندگان، تخریب کنندگان و غارتگران تحت تعقیب قانون قرار نمیگیرند.

مقصود از این حمله، تخریب و غارت دفاتر سازمانهای حزب توده ایران - حزبی که با استواری و بیگیری در پشتیبانی سادگانه از انقلاب شکوهمند مردم ایران برهبری امام خمینی، هرگونه تهمت و افتراء هجوم و تعرض از راست و چپ را تحمل کرده است، چیست، آنهم هنگامیکه دشمن اصلی ما، امپریالیسم امپریالیسم امپریالیسم آمریکا، تدارک گسترده توطئه تجارز چینی نظامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را دیده است؟

آیا این حملات مداوم خود بخشی از همین تدارکات زمینه توطئه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران نیست؟

این حملات بی در پی برای ایجاد دشواری و مانع از سر راه فعالیت مفید و موثر نیروهای راستین انقلاب در جهت تحکیم دستاوردهای انقلاب و پیشبرد آنست.

این حملات دانسته یا ندانسته «نامه مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را در معرض حمله قرار داده و مجازات رسانند. باید اماکن و دفاتر سازمانهای حزب توده ایران را مسترد داشت. این فقط به نفع انقلاب، به نفع نظام جمهوری اسلامی ایران است.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر رزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دقت نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 323
2 September 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

برابری نابرابر

بقیه از صفحه ۱
اطلاعیه وزارت کار و امور اجتماعی در مورد برابری ساعات کار کارگران و کارمندان براساس مصوبه شورای انقلاب، بطور کلی در همه جا یا استتبال کارگرا نخواه گردید. تصویب نامه شورای انقلاب ساعت کار کارگران را ۴۴ ساعت در هفته و برابر با ساعات کار کارمندان مقرر داشته است.

طبق این تصویب نامه، ساعت کار کارگران در هفته از ۴۸ ساعت به ۴۴ ساعت کاهش داده شده، که حرکتی در جهت تامین خواست کارگران دایر به استقرار روز کار قابل قبول در اوضاع و احوال کنونی اقتصادی - اجتماعی ایران است.

باید دانست که طول زمان کار روزانه در کارخانهها و کارگاهها در کشور ما، با اینکه دهها سال از تصویب قانون کار ۸ ساعت کار در روز می گذرد، همچنان بالای ۱۴ و ۱۶ ساعت و بیشتر است. صدهزار و بلکه قسمت اعظم کارگران ایران تا همین امروز در شرایط روز کار ۱۰-۱۴ ساعته و بیشتر استوار می شوند، که از مهم ترین اثرات پیمان نامه از تسلط رژیم طاغوتی نستند نشده است.

کشتی روز کار کارگران به ۴۴ ساعت در هفته، اگرچه هنوز بیرونی کامل خواست کارگران نیست، با این وجود موفقیت بزرگی برای آنان بشمار میرود. این اقدام بوضوح نشان میدهد که، هزمان با تثبیت و تعمیق دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، کارگران ایران نه بیرونی های رفته رفته محروم تری در مورد بهبود شرایط کار و زندگی خود قابل خواهد شد.

آنچه در ارتباط با استقرار هفته کار ۴۴ ساعته برای کارگران و زحمتکشان در کارگاهها و کارخانهها باید متذکر شد، اینست که، اجرای این تصمیم فقط شامل کارخانههای بزرگ و واحدهائی که تعداد زیادی کارگر دارند، نشود، بلکه قانون ۴۴ ساعته کار در هفته در مورد همه کارگاهها و کارخانهها اتم از کوچک و بزرگ، و در همه رشتهها، چه تولیدی و خدماتی به اجرا گذاشته شود و خلاصه همه کارگران و زحمتکشان کشور را در سطح تمام مملکت شامل گردد.

بجاست یادآور شویم که در دوران طاغوت قانون کار ۴۸ ساعت وجود داشت، لیکن تنها در باره قشر محدودی از کارگران کارخانهها و کارگاههای بزرگ اجرا میشد، و اینان نیز تحت عنوان اضافه کار، به کار ۱۴ تا ۱۶ ساعت در شبانه روز مجبور بودند.

در آنچه که به میلیونها کارگری و زحمتکش کارگاههای کوچک و کمتر از ده نفر در سراسر کشور مربوط میشد، ساعت کار آنان هیچ حد و مرزی نداشت، و از طلوع آفتاب شروع میشد و حتی به غروب هم خانه پیدا نمی کرد.

به این وضع باید برای همیشه پایان داده شود. همه کارگران کشور باید از قانون ۴۴ ساعت کار در هفته برخوردار شوند.

همچنین باید تمهادهائی که به گرفتاریهای امکان مردهد، تحت عنوان مختلف، به ساعات کار کارگران افزایند، پست شود. اقتصادی محدود ساختن کار در زندگی طبقه کارگر ظاهر گردد، و این طبقه لاقال از زیر فشار روز طولانی کار، که اهرم عمده ظلم و استثمار در شرایط کنونی است، رهائی یابد.

در ارتباط با تصمیم شورای انقلاب در مورد یکسان کردن ساعات کار کارگران یا کارمندان و تعیین ۴۴ ساعت کار در هفته، نمی توان گفتان کرد که، مدت ۴ ساعت به کار کارمندان اضافه میشود. ساعت رسمی کار کارمندان، تا مصوبه اخیر شورای انقلاب، ۴۳ ساعت در هفته بود. گرچه در پاره ای موارد نادر،

از جانب کارمندان نسبت به تصمیم اخیر اظهار عدم رضایت شده است، لیکن مجموعه اوضاع و احوال بیانگر آنست که کارمندان صدیق و انقلابی ایران تصمیم یکسان کردن ساعات کار کارگران و کارمندان را مسورد استقبال قرار دادند. غیر از این نیز از کارمندان زحمتکش و شریف ایران، که یک بازوی مهم دفاع از دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی - خلقی هستند، انتظار نمی رفت که آنان در جمهوری نوپای اسلامی، برای شرکت بیشتر در کار سازندگی نظام آبادی کنند و مصوبه یکسان شدن ساعات کار کارگران و کارمندان را، که به تبعیض آشکار در مورد طبقه کارگر پایان میدهد، پذیرا شوند.

در مصوبه شورای انقلاب و اعلامیه وزارت کار همچنین بدین ترتیب این اصل مورد تأیید قرار گرفته است که، ایام تعطیلات رسمی کارگران و کارمندان نیز برابر است و کلیه روزهای که از طرف دولت تعطیل رسمی اعلان گردیده، در مورد کارگران نیز تعطیل رسمی محسوب می گردد.

این بخش از مصوبه شورای انقلاب نیز انعکاسی از تحقق یک خواست قانونی و بحق کارگران بود. کارگران بدینوسیله خاطر نشان می ساختند که، هیچ دلیلی در مورد تبعیض بین کارگران و کارمندان در مورد استفاده و عدم استفاده از تعطیلات رسمی وجود ندارد و باید این تبعیض از میان برداشته شود.

اصولاً باید گفت که، در رژیم دست نشانده شاه سابق، اصل بر ایجاد تفرقه و تبعیض بین کارگران و کارمندان و جدا ساختن آنان از یکدیگر و قرار دادن اقتضای مختلف زحمتکشان رو در روی هم قرار داشت. دلائل مزایای ساعت کار کمتر و برخورداری از تعطیلات رسمی بیشتر به کارمندان و محروم داشتن کارگران از این مزایا، قصد جدا کردن کارمندان از کارگران را تقبی می کرد و هدف نهائی آن جلوگیری از حرکت و مبارزه متحد و متفق همه زحمتکشان، اتم از کارگر و کارمند، در راه تامین خواستهای صنفی، اجتماعی و سیاسی خود بود.

اکنون، با برداشتن این تبعیض، طبعی است که در این زمینه به سیاست «تفرقه بیانداز و حکومت کن» خانه داده میشود و زمینه وسیعتری برای اتحاد و تشکیل زحمتکشان، اتم از کارگران و کارمندان بوجود می آید.

ضمن تأیید تصمیم شورای انقلاب در مورد یکسان کردن برخورداری کارگران و کارمندان از تعطیلات رسمی واحد، باید متذکر این واقعیت بود که، صدهزار و بلکه میلیونها کارگر در کارگاههای کارندستی، در امور ساختمانی و در بازرگانی و در حمل و نقل از برخورداری از تعطیلات رسمی و حتی تعطیل یکروزه در هفته تا همین امروز نیز محروم مانده اند. وزارت کار و امور اجتماعی باید موجدیت اجرای این قسمت از مصوبه شورای انقلاب، بمرام کار ۴۴ ساعت در هفته را، در تمام کارگاهها و کارخانهها و در همه رشتههای تولیدی و خدماتی در سراسر کشور فراهم آورد و قانون را به اجرا بگذارد.

در عین اینکه باید جواب مثبت و جنبه های فوق العاده با اهمیت مصوبه شورای انقلاب را در مورد یکسان کردن ساعات کار کارگران و کارمندان، در شرایط سخت کار تحلیل می رود، امید است که مجدداً برای کار زحمتکش در حرکت درآوردن جریخ اقتصاد مملکت، بسود جمهوری نوپای اسلامی و آموین سعادت و رفاه مردم کوشا باشند.

در مورد اخیر، خواست کارگران و زحمتکشان بدین ترتیب است که، نه تنها مصوبه شورای انقلاب در مورد یکسان کردن مدت مرخصیهای کارگران و کارمندان باید یکسان گردد، بلکه دولت انقلاب باید کسبهای طاغوتی و ویلاهای کثیر - العده طاغوتیان را تسدیل کند - استراحتگاههای کارگری و کارمندی

۱۴ روز مصرح در قانون طاغوتی

۱۴ روز مصرح در قانون طاغوتی

مسئله گر و گانگیری

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، صبح دیروز در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و به سئوالات خبرنگاران پاسخ گفت. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در پاسخ یکی از خبرنگاران که پرسید:

«اگر گروهکها آزاد شوند، آیا روابط ایران و آمریکاعادی خواهد شد یا نه؟»

پس یکدیگر از خبرنگاران در مورد ملاقاتهایی که در هفته گذشته آقای هاشمی رفسنجانی با مقامات سوریه، الجزایر و فلسطین داشته اند و مسائلی که در این ملاقاتها با آنها مطرح شده، سئوال کرد. آقای هاشمی رفسنجانی در پاسخ گفت:

«مسئله ای که در این ملاقاتها مشترک بود، این بود که با توجه به وضع منطقه، آنها تشخیص داده اند که باید همکاری نزدیک تری بین انقلاب ایران و حرکتها و دولتها و جریانهای مترقی مسلمان عرب وجود داشته باشد و پیشنهادها و برنامه های در رابطه با نزدیکی بیشتر با یکدیگر و مقابله با توطئه های که در منطقه وجود دارد، داشتند.

پیشنهادهای آنها برای ما هم مطرح بود و فکرمی گتم طرحهایی بود که سرپا می توانستیم بپذیریم، ولی چون دولت جدید هنوز کار خود را شروع نکرده، نمیتوانستیم با آنها به تصمیم نهائی برسیم. بطور اصولی معلوم شد که با یکدیگر موافقت.

کار، که یادگار دوران سلطه رژیم وابسته به امپریالیسم بر ایران است، باقی نگاه داشته شده است؟ تصادفاً مورد اخیر، یعنی مرخصی سالیانه، مسئله مهمی است که مدت آن از نظر تامین سلامت زحمتکشان اهمیت فوق العاده دارد. در تعیین مدت این نوع مرخصی باید این نکته مهم مورد توجه می بود که، کار کارگران با آن نظر که در شرایط سخت تر و طاقت فرساتر و فرسودم کننده تری نسبت به کارمندان صورت می گیرد، مدت مرخصی اینان نیز قانداً باید بیشتر باشد. ولی این مسئله نه فقط مورد توجه قرار نگرفته، بلکه مصوبه شورای انقلاب کارگران را از برابری مرخصی سالیانه در حد کارمندان محروم نگاه داشته است. این قسمت از تصویب نامه شورای انقلاب را فقط می توان اشتباهی ناشی از عدم آشنائی به شرایط کار و زندگی کارگران تلقی کرد.

کارگران نه فقط به مرخصی سالیانه ای بیش از ۱۴ روز، چنانکه در رژیم گذشته بود، محتاج هستند بلکه ضروری است که وسائل و شرایط مثر کم تر از این مرخصیها نیز در اختیار آنها گذاشته شود، تا بتواند قوای جسمانی خود را، که در شرایط سخت کار تحلیل می رود، احیاء کنند و مجدداً برای کار زحمتکش در حرکت درآوردن جریخ اقتصاد مملکت، بسود جمهوری نوپای اسلامی و آموین سعادت و رفاه مردم کوشا باشند.

در مورد اخیر، خواست کارگران و زحمتکشان بدین ترتیب است که، نه تنها مصوبه شورای انقلاب در مورد یکسان کردن مدت مرخصیهای کارگران و کارمندان باید یکسان گردد، بلکه دولت انقلاب باید کسبهای طاغوتی و ویلاهای کثیر - العده طاغوتیان را تسدیل کند - استراحتگاههای کارگری و کارمندی

۱۴ روز مصرح در قانون طاغوتی

۱۴ روز مصرح در قانون طاغوتی

محتکران بازوی...

بقیه از صفحه ۱
را دردم شکست. اما باید اذعان کرد که، مساندره انبیا راهی کالاهای ضروری و مورد مصرف عموم، اهمیت و فوریت کمتری نداشت، زیرا اموال طاغوتیان دیگر وسیله فشار دادن به کلوی زحمتکشان و غارت دسترخی آنها قرار نمی گرفت.

کالاهای احتکار شده امروز وسیله غارت دسترخی زحمتکشان و ایراد فشار بسیار جدی به زندگی توده های مردم قرار گرفته است. محتکری که نیم میلیون قالب صابون را احتکار می کند، تا صابون دو تومانی را به ۲۰ تومانی بفروشد، عملاً نیم میلیون نفر ناراضی ایجاد می کند، زیرا هر خانواده زحمتکش، که برای یک قالب صابون به بازار مسراجعه می کند، نمی تواند از این وضع، که طی تنها یکسال و نیم پس از انقلاب، قیمت صابون ۱۰ برابر بالا برده شده، اظهار عدم رضایت نکند. میهنطور است در مورد سیگار، پیور رختشویی، لاستیک، دارو و صدها و هزارها کالای مورد احتیاج دیگر.

احتکار صابون فقط گوشه ای از احتکار خطرناکی است که هدف آن انزاد آوردن انقلاب است، و شاید در ردیف احتکارهای کوچک باشد. احتکارهای میلیون میلیونی از هر نوع کالا، از سیگار گرفته تا پیور رختشویی، از روغن گرفته تا وسائل الکترونیکی، رواج کامل دارد، و احتکار کنندگان عمده با آزادی کامل به خریداری عمده و خطرناک خود علیه انقلاب ادامه می دهند.

درباره احتکار و خطری که محتکران متوجه انقلاب ساخته اند، خیلی مطلب می توان نوشت. اما همین مختصر باید کافی باشد تا توجه دولت انقلاب را به ضرورت آغاز و پایان سریع مبارزهای بسیار جدی و قاطع علیه احتکار و محتکران جلب کند.

با احتکار باید با قاطعیت انقلابی مبارزه کرد و ریشه احتکار را باید از عمق و از درون بیرون آورد. این نوع مبارزه مستلزم سازماندهی نیرو احتکار در سطح کشور و در اختیار گرفتن همه انبیا راهی کالا در دست دولت است.

از مبارزه اتفاق و تصادفی علیه احتکار فقط نتیجه ای حاصل نمی شود، بلکه به محتکران امکان میدهد که شیوه های حیل گرانه تری را در ادامه فعالیت خود علیه انقلاب بکار برند.

گراتی و کمیایی کالاهای ضروری و اساسی موجب عدم رضایت شدید مردم شده است. با سازماندهی مبارزه سراسری و قاطع علیه احتکار، با در اختیار گرفتن کلیه ذخائر کالایی در کشور، باید جلو ادامه این وضع را گرفت. دست محتکران وسود جویان ضدانقلابی را از بازی با سرشوش انقلاب باید کوتاه کرد. در مبارزه با احتکار و محتکران، هیچ تاخیر و گذشتن جایز نیست.

کنند، تا قاطع زحمتکشان ایران از آنها استفاده نمایند.

باید این خواست را برآورده ساخت و موجدیتی فراهم آورد که همچنان که کارگران و زحمتکشان تمام نیروی خود را در خدمت انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی قرار داده اند، دولت انقلاب نیز بهبود شرایط کار و زندگی کارگران و قاطع زحمتکشان را سرلوحه اقدامات و فعالیت خود قرار دهد. تنها در چنین شرایطی است که مسلماً دفاع از انقلاب شکوهمند خلق ایران بر پایه های خزانگی منکی می گردد و توطئه های امپریالیسم تجارز کار و ضدانقلاب وابسته به آن، یکی پس از دیگری عقیم می ماند و به ناکامی محض محکوم میشود.

۱۴ روز مصرح در قانون طاغوتی